

انتظارات و خواسته‌های شهروندان از دولت آقای خاتمی

داود نادمی - دانشگاه فردوسی مشهد

طرح و بیان مسأله:

منافع ملی، آگاهی از انتظارات و خواسته‌های سیاسی جامعه است. نظام سیاسی مانند دیگر نظام‌ها در تعامل و تبادل با محیط (جامعه) است و دارای يك دسته برون دادها و درون داده‌هاست. برون داد نظام سیاسی در برگیرنده تصمیم‌ها و سیاست‌های دولتمردان است و درون داده‌ها که نظام سیاسی از جامعه دریافت می‌کند، انتظارات، درخواستها و پشتیبانی‌ها را دربرمی‌گیرد. انتظارات مردم - افکار عمومی جامعه - در عرصه سیاسی یکی از ابزارهای مهم درون داده‌ها از محیط خود از سوی نظام سیاسی است و عامل مهمی است که آینده و ثبات نظام‌های سیاسی را تضمین می‌کند.

در يك نظام به نسبت بسته سیاسی که انتظارات شهروندان بسیار اندك به نظر می‌رسد، نظام سیاسی و در دل آن صاحبان قدرت، از دریافت درون داده‌ها ناتوانند و شناختشان از واقعیتها مستأثر از عواملی چون ترس و ناامنی و اطلاعاتی وارونه و نادرست است. نمونه این وضع رادر تاریخ پرفراز و نشیب ایران و سرنوشت سلسله‌های پادشاهی ایران می‌توان دید که دولتمردان گذشته ارزیابی درستی از پایگاه خود در جامعه نداشتند و اهمیتی به انتظارات و خواسته‌های شهروندان نمی‌دادند.

انتظارات سیاسی شهروندان از دولت، بسته به جایی که در نظام اجتماعی (جامعه) دارند و شرایط اقتصادی و دیدگاههای فرهنگی‌شان، گوناگون است.

انتظارات سیاسی شهروندان از دولت و عوامل مؤثر در آن

پرسشهای آغازین در این پژوهش:

- ۱- انتظارات سیاسی شهروندان از دولت چیست؟
- ۲- سطح این انتظارات تا چه اندازه است؟
- ۳- چه عواملی در انتظارات سیاسی شهروندان از دولت مؤثر است؟

موضوع اصلی جامعه‌شناسی سیاسی بررسی روابط متقابل قدرت دولتی و نیروهای اجتماعی است. به‌طور کلی نیروهای اجتماعی ممکن است در برابر ساخت قدرت به‌پا خیزند، در آن شرکت و اعمال نفوذ کنند یا دچار انفعال سیاسی شوند.

اینکه نیروهای اجتماعی که برخاسته از متن جامعه هستند کدام يك از این راهکارها را در برابر نظام حکومتی برمی‌گزینند، به عوامل متعددی از جمله به میزان و نوع انتظارات و خواسته‌های سیاسی آنها از دولت بستگی پیدا می‌کند. همچنین اهداف و برنامه‌هایی که از سوی دولتمردان مطرح می‌شود باید با شرایط و ظرفیت‌های موجود در جامعه همسو باشد. طرح اهداف بلندپروازانه تنها باعث افزایش انتظارات و ایجاد انقلابی در انتظارات شهروندان می‌شود که پیامدهای آن سبب انفعال، ناامیدی و افزایش تنش و آشوب در سطح جامعه خواهد بود. قوام و دوام يك نظام سیاسی در گرو نهادینه شدن فرهنگ سیاسی شهروندان است.

شهروندان پیوسته کارنامه‌ساز مانهایی مانند دولت را ارزیابی می‌کنند و ارزیابی مثبت جامعه از عملکرد دولت امکان فعالیت و بقای آنرا فراهم می‌آورد. از سوی دیگر، کارآمدی نظام سیاسی به شایستگی دولت و دولتمردان بستگی دارد. انتظارات شهروندان ممکن است در چارچوب وظایف قانونی دولت یا بیرون از آن باشد.

در چارچوب يك تحلیل سیستمی می‌توان گفت که برای استقرار دموکراسی، ایجاد جامعه مدنی و گام برداشتن به سوی توسعه بویژه توسعه سیاسی، دولتمردان باید با در نظر گرفتن منافع ملی کشور، انتظارات و خواسته‌های سیاسی جامعه را بشناسند و توجه داشته باشند که یکی از شاخص‌های استقرار دموکراسی، ایجاد جامعه مدنی، تحقق توسعه سیاسی و تأمین

۲. سنجش سطح و نوع انتظارات سیاسی شهروندان از دولت.

۳. شناسایی و تبیین عوامل مؤثر بر انتظارات سیاسی شهروندان از دولت.

پیشینه تحقیق:

هر پدیده دارای پیشینه‌ای است که بررسی آن پژوهشگر را در شناسایی و درک درست چیستی آن پدیده یاری می‌دهد. پدیده‌های اجتماعی وابسته به گذشته‌اند و در زنجیره‌ای از تداوم جای می‌گیرند و هویت آنها بی‌در نظر گرفتن گذشته‌ای که در آن تکوین و تبلور یافته‌اند به دست نخواهد آمد. از این رو سخن از پیوستار به میان می‌آوریم و در برابر جهش‌گراییان هیچ چیز را جدا از زنجیره تاریخی آن نمی‌بینیم. (ساروخانی، ۱۳۷۸، ص ۱۴۷) در واقع پژوهش علمی فرایندی پویاست که در آن گذشته، حال و آینده با هم پیوند می‌یابند. واقعیت‌های مورد پژوهش نیز خود چنین ویژگی‌هایی دارند: یعنی ریشه‌ای در گذشته، وضع و حالی در زمان موجود و دورنمایی در آینده.

نگارنده در این پژوهش کوشیده است تا جایی که امکان‌پذیر است با مطالعه منابع مربوط مانند کتابها، مقالات، مجلات داخلی و خارجی و مراجعه به مراکز علمی و پژوهشی و کتابخانه‌های گوناگون و بررسی پژوهش‌های انجام شده مانند طرح‌های پژوهشی، پایان‌نامه‌ها و... آنها را مورد ارزیابی دقیق قرار دهد و نیز با مصاحبه‌های اکتشافی عمقی به موضوع احاطه پیدا کند و سرانجام با جمع‌بندی دیدگاه‌های گوناگون در خصوص انتظارات و نیز دیدگاه‌هایی که به گونه غیر مستقیم به انتظارات می‌پردازد و همچنین تئوری‌های ناظر به انتظارات سیاسی با عوامل مؤثر بر انتظارات سیاسی توانسته است به چارچوبی نظری که فرایند پژوهش را در آن دنبال می‌کند دست یابد. به برخی از آنها اشاره می‌شود.

۱- «انتظارات مردم از دولت» عنوان پژوهشی است که دکتر غلامرضا صدیق‌اوری در سال ۷۷-۱۳۷۶ برای مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها انجام داده است. در این پژوهش، پژوهشگر انتظار را در ارتباط با موقعیت‌های اجتماعی تعریف کرده است. انتظارات شهروندان از دولت در زمینه‌های آموزشی، اقتصادی، امنیتی، سیاسی و از صدا و سیما طبقه‌بندی شده است.

در این بررسی انتظار با مفهوم نیاز در رویکرد روانشناختی پیوند یافته و نیاز بعنوان کمبود مخل در سیستم تعریف شده است. هرگاه در سیستمی نارسایی و کمبودی پدید آید و در کارش ناموزونی و اختلال ایجاد شود این کمبود نیاز نام می‌گیرد. اگر نیازهای شهروندان در حدی مطلوب برآورده شود، جامعه

اهمیت و ضرورت پژوهش:

مشروعیت و نیز مقبولیت دولت در افکار عمومی یکی از عوامل ثبات سیاسی و شکل‌دهنده مشارکت شهروندان در زندگی سیاسی جامعه و اقدامات اصلاحی دولت است و استقرار نظام سیاسی دموکراتیک، ایجاد جامعه مدنی، تحقق توسعه اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و تأمین منافع ملی کشور در گرو این است که دولت و شهروندان، خود را نیک بشناسند و از نقاط قوت و ضعف کارکرد و رفتار یکدیگر آگاه باشند.

همواره پس از برخی تحولات اجتماعی، امید شهروندان به بهبود شرایط زندگی و نیز خواسته‌هایشان فزونی می‌یابد که بر این پدیده عنوان «انقلاب انتظارات فزاینده» (The Revolution of Rising Expectation) گذاشته‌اند. اگر این انتظارات برآورده نشود و دولت نتواند پاسخی مناسب به خواسته‌های شهروندان بدهد، خطر سرخوردگی و دلسردی شهروندان و نیز نافرمانی و هیجانات کوربیش می‌آید و رفته رفته پایه‌های مشروعیت مردمی نظام سیاسی آسیب می‌بیند.

در کشورهای رو به توسعه، فرایند تشکیل نیاز با مراحل گوناگون توسعه همراه است و بدین‌سان خواسته‌ها و انتظارات تازه‌ای پدید می‌آید که آگاهی دولت از آنها ضرورت دارد. از بعد دیگری نیز می‌توان به اهمیت مطالعات مربوط به انتظارات شهروندان از دولت پی برد و آن اثر رضایت‌مندی شهروندان در ثبات سیاسی کشور است. بی‌گمان مسایل و مشکلات نه تنها خود به گونه مستقیم موجب بی‌ثباتی در جامعه می‌شود، بلکه ریشه و سرچشمه بسیاری از مسایل و مشکلات را باید در بی‌توجهی دولت به خواسته‌ها و ناتوانی آن در برآورده ساختن انتظارات و نیازهای شهروندان جستجو کرد.

اگر به خواسته‌های شهروندان توجه نشود، نباید انتظار داشت که جز به کارهایی که منافع فردی‌شان ایجاد می‌کند بیندیشند و پیردازند. پیامدهای سنگین نادیده‌انگاشته شدن انتظارات و خواسته‌های شهروندان عبارت است از: ۱- افزایش فاصله و شکاف میان دولت و شهروندان ۲- کاهش ثبات و مشروعیت دولت ۳- مسئولیت‌ناپذیری شهروندان ۴- رشد خودخواهی و بی‌توجهی به مصالح و منافع ملی ۵- گسترش کاربرد زور و خشونت و افزایش و تنش در جامعه.

همچنین در این عرصه با توجه به نیازهای کاذب ایجاد شده و تلاش برای کاهش آنها به روش‌های عقلانی و منطقی، باید در راه پاسخگویی به انتظارات و مطالبات گام نهاد.

هدفهای پژوهش:

هدفهای پژوهش حاضر عبارت است از:
۱- شناسایی، اولویت‌بندی و توصیف انتظارات سیاسی

سیر طبیعی خود را خواهد پیمود. اما گاهی سازمانهای مربوط انتظارات مردمان را به گونه کامل بر آورده نمی کنند یا موانعی بر سر راه بر آورده شدن نیازها پدید می آید که اگر این نیازها بر از گانیسم چیره شود فرد با ناکامی روبرو خواهد شد. از آشکارترین آثار تأخیر در بر آورده شدن نیازها بروز نیافتن دیگر نیازها و پدید آمدن احساس محرومیت نسبی یا بی عدالتی نسبی است. همچنین هر گاه میزان نیاز بر آورده شده با میزان مورد انتظار یکسان نباشد، میان این دو شکاف ایجاد می شود.

۲- «انتظارات دانشجویان از رئیس جمهور آینده»

عنوان طرحی نظرسنجی است که از سوی مرکز افکار سنجی دانشجویان ایران وابسته به معاونت فرهنگی جهاد دانشگاهی شعبه تهران در تاریخ ۱۳/۳/۱۳۸۰ انجام شده است. جامعه آماری این طرح همه دانشجویان دانشگاههای دولتی تهران (بر سرهم هفده دانشگاه) بوده اند. حجم نمونه ۵۱۵ نفر بوده که به شیوه نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب شده اند.

در حوزه انتظارات سیاسی دانشجویان از رئیس جمهوری آینده، بیشترین انتظار دانشجویان مربوط به ترغیب مسئولان به پاسخگویی با میانگین ۵/۳۶ بوده است. گسترش قانونگرایی و تلاش برای اجرای قانون اساسی با میانگین ۵/۲۵، پیگیری سیاست تنش زدایی در عرصه بین المللی و افزایش اعتبار ایران در عرصه جهانی با میانگین ۵/۱۹، دفاع از حقوق شهروندی و آزادی های فردی با میانگین ۵/۱۲، محدودسازی فعالیت های خشونت آمیز گروه های فشار با میانگین ۵/۱۱، اصلاح شیوه برخورد با مخالفان با میانگین ۴/۸۸، توسعه توانایی های نظامی و تسلیحاتی کشور با میانگین ۴/۴۰، زمینه سازی برای فعالیت بیشتر احزاب و تشکلهای با میانگین ۳/۸۴ و پشتیبانی از جنبش های آزادی بخش جهان با میانگین ۳/۲۹ به ترتیب در رده های بعد بوده است.

۳- «انتظارات مردم از دولت آقای خاتمی»

طرحی نظرسنجی است که مسئولیت اجرای آن را گروه پژوهشی علوم اجتماعی پژوهشکده اقبال وابسته به جهاد دانشگاهی مشهد در مرداد ماه ۱۳۷۶ داشته است. در این پژوهش تلاش شده است نظر شهروندان مشهدی درباره مشکلاتی که آقای خاتمی باید آنها را حل کند، مشکلاتی که آقای خاتمی در اجرای برنامه های خود با آنها روبرو خواهد بود، ویژگی های وزیر موفق، توانایی آقای خاتمی در حل مشکلات با وجود وزیران پیشین، وزیرانی که باید عوض شوند، راه حل اختلافات مجلس و آقای خاتمی، تصدی وزارت از سوی زنان و نیز ثبات آراء پس از انتخابات، عوامل مؤثر بر افزایش آرای آقای خاتمی و هواداران کنونی آقای خاتمی و نامزدهای پیشین ریاست جمهوری و... سنجیده شود.

نمونه گیری این طرح از گونه نمونه گیری طبقه ای متناسب بوده است. برای این منظور، جمعیت ۱۲۰۰ نفری نمونه به گونه

متناسب میان مناطق دهگانه شهر مشهد تقسیم شده اند. در هر منطقه شمار معینی بلوک انتخاب شده و نشانی دقیق آنها در اختیار پرسشگران قرار گرفته است که در هر بلوک تنها با یک نفر بر پایه سه ملاک سن، جنس و وضع تأهل مصاحبه شده است. برخی از نتایج این نظرسنجی عبارت است از:

۱) مشکلاتی که آقای خاتمی باید حل کند به ترتیب عبارت است از: مشکلات جوانان، مشکلات اقتصادی، مشکل مسکن. ۲) مشکلاتی که آقای خاتمی با آن روبرو خواهد شد به ترتیب عبارت است از: مخالفت مجلس با مسئولان، مشکلات اقتصادی.

۳) ویژگی وزیر موفق از دید پاسخگویان عبارت است از: دانش و تخصص، تعهد نسبت به شهروندان، مین و دین.

۴) بسیاری از پاسخگویان (۲۹/۵ درصد) گفته اند که بیشتر وزیران را باید تغییر داد و ۲۸/۴ درصد نیز گفته اند که آقای خاتمی آنها را تغییر خواهد داد.

۵) ۴۴/۴ درصد پاسخگویان کنار آمدن با یکدیگر را بعنوان راه حل اختلاف مجلس و آقای خاتمی پیشنهاد کرده اند.

۶) بیشتر پاسخگویان (۵۷/۷ درصد) با تصدی وزارت از سوی زنان کاملاً موافق یا موافق بوده اند.

۴- «سیاست های اصلاحی رئیس جمهور از نگاه شهروندان مشهدی» عنوان طرحی نظرسنجی است که مرکز افکار سنجی دانشجویان ایران وابسته به معاونت فرهنگی جهاد دانشگاهی شعبه مشهد در تاریخ ۱۳/۱۲/۱۳۸۰ انجام داده است. این پژوهش از نوع میدانی و روش نمونه گیری آن به صورت نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای بوده است. حجم نمونه از طریق فرمول کوکران و راهکارهای به کار گرفته شده برای رساندن خطا به دستکم ۳۸۹ نفر تعیین شده است. گردآوری داده ها نیز از راه پرسشنامه به صورت مصاحبه حضوری انجام گرفته است. بر سرهم شهروندان فرایند اصلاحات را با توجه به شرایط موجود چنین پیش بینی کرده اند: ۷۴/۸۸ درصد به آینده اصلاحات امیدوارند؛ ۶۳/۲۳ درصد توفیق را در گرو تلاش بیشتر آقای خاتمی می دانند؛ ۳۳/۱۴ درصد از شهروندان به آینده اصلاحات امیدوار نیستند؛ ۱۴/۷۵ درصد معتقدند از هم اکنون فرایند اصلاحات شکست خورده است؛ ۴۷/۰۸ درصد پیش بینی می کنند که در صورت متوقف شدن فرایند اصلاحات نامیدی در جامعه افزایش می یابد و ۴ درصد گفته اند که تنش و آشوب در جامعه زیاد خواهد شد. از دید شهروندان حل مشکلات اقتصادی باید در صدر برنامه اصلاحات قرار گیرد و سپس به ترتیب به مشکلات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی پرداخته شود. ۴۶/۴۸ درصد از شهروندان معتقدند که آقای خاتمی تلاش بسیاری برای متحقق ساختن اهدافش کرده است و تنها ۱۶/۱۸ درصد این تلاش را کم ارزیابی کرده اند. در بخش موانع

بر سر برنامه‌ها و هدفهای آقای خاتمی ۵۶/۳۳ درصد از شهروندان می‌گویند آقای خاتمی از اختیارات قانونی لازم برخوردار نبوده است. ۴۸/۳۳ درصد از پاسخگویان ناتوانی اعضای دولت را مانع عمده تحقق اهداف ایشان نمی‌دانند. از دید ۶۳/۷۶ درصد شهروندان آقای خاتمی قاطعیت و اراده لازم را برای پیشبرد برنامه‌هایش داشته است. ۶۳/۲۱ درصد معتقدند مخالفان آقای خاتمی به او اجازه اجرای برنامه‌هایش را نمی‌دهند. ۵۱/۵۵ درصد با این نکته که آقای خاتمی برای اجرای برنامه‌هایش از همه اختیارات قانونی خود بهره‌جسته است موافق و ۲۸/۷۶ درصد مخالف آن هستند. به نظر ۴۳/۱۵ درصد از پاسخگویان در شرایط کنونی امکان تحقق برنامه‌های اصلاحی آقای خاتمی وجود ندارد. این در حالی است که بیش از نیمی از پاسخگویان یعنی ۵۹/۳۶ درصد معتقدند آقای خاتمی مشکلاتش را با شهروندان در میان نگذاشته است. ۷۴/۷۵ درصد از پاسخگویان اصلاحات آقای خاتمی را مخالف ارزش‌های اسلامی-دینی ندانسته‌اند. بنابراین از نظر پاسخگویان نبود اختیارات قانونی لازم و در میان گذاشته نشدن مشکلات با شهروندان، بزرگترین موانع بر سر راه برنامه‌های اصلاحی رئیس‌جمهوری است.

در بخش پیشنهادهای راهکارها برای تدویم اصلاحات در کشور ۳۴/۶۲ درصد از شهروندان با شتاب کنونی روند اصلاحات موافق، ۱۹/۳۸ درصد بی‌نظر و ۴۵/۹۹ درصد مخالفند. به نظر ۴۵/۴۸ درصد از شهروندان آقای خاتمی نباید از شعارهای خود عقب‌نشینی کند و تنها ۳۶/۹۵ درصد با این عقب‌نشینی موافقت دارند. ۸۶/۶۰ درصد توفیق ایشان را در گروه قاطعیت بیشتر و ۴۶/۳۵ درصد تعامل با مخالفان را عامل توفیق آقای خاتمی می‌دانند. ۸۸/۹۲ درصد از پاسخگویان، در میان گذاشتن مشکلات با شهروندان را راهکار توفیق اصلاحات می‌دانند. ۷۷/۷۷ درصد از شهروندان با این نکته که آقای خاتمی هیچ کاری نمی‌تواند بکند و باید استعفا دهد مخالفند و تنها ۱۰/۰۸ درصد از آنها با استعفای او موافقت دارند.

از دید پاسخگویان، آقای خاتمی در برنامه‌هایی چون گسترش روابط با دیگر کشورها بر اساس منافع ملی ۸۰/۲۷ درصد، گسترش آزادیهای فردی ۶۱/۷۸ درصد، آزادی مطبوعات ۶۰/۳۷ درصد، آزادی فعالیت‌های سیاسی و احزاب در چارچوب قانون ۵۴/۸۱ درصد، تقویت ارزش‌های دینی و مذهبی ۴۰/۷۸ درصد، اجرای کامل قانون اساسی ۳۹/۵۳ درصد، برقراری نظم و امنیت در جامعه ۳۴/۴۶ درصد، برقراری عدالت و رفع نابرابری ۲۸/۲۴ درصد، و از میان برداشتن بیکاری و افزایش اشتغال ۱۵/۱۱ درصد توفیق زیاد داشته است.

از دید پاسخگویان، ویژگیهای برجسته آقای خاتمی به ترتیب تدبیر ۸۲/۳۷ درصد، اندیشمند و متفکر بودن

۷۷/۷۲ درصد، متعهد بودن به منافع ملی ۷۵/۲۶ درصد، قابل اعتماد بودن به عنوان رئیس‌جمهور ۷۳/۹۸ درصد، توجه به خواسته‌های شهروندان ۵۵/۱۹ درصد و پایبندی به شعارهای خود ۴۴/۶۸ درصد است.

مبانی نظری (چارچوب تئوریک) پژوهش:

هدف از مطالعات نظری آن است که از راه تشریح‌های مربوط به موضوع پژوهش، متغیرها مورد بررسی قرار گیرد و رابطه میان آنها مشخص شود. چارچوب نظری پژوهش دو هدف را بر آورده می‌سازد:

- ۱- ایجاد یکپارچگی و انسجام در اطلاعات گرد آمده از راه مصاحبه‌های اکتشافی، گزاره‌ها و شوریه‌های تبیین‌گر و نیز دانسته‌های شخصی خود پژوهشگر.
- ۲- ارائه مدلی تحلیلی برای یاری دادن به پژوهشگر برای برقراری روابط علی میان متغیرها و ترسیم مدل علی پژوهش.

مفهوم انتظار:

منظور از انتظار، انتظار از موقعیت است. هر موقعیت دربرگیرنده مجموعه‌های پیوسته‌هایی است که دارنده آن موقعیت باید برپایه آنها عمل کند و نیز پایگاههایی دارد که در صورت انجام یافتن هنجارها به فرد تعلق خواهد گرفت و همچنین کسانی که با او در کنش متقابل هستند از او انتظار دارند که برپایه هنجارهای همان موقعیت عمل کند یا باصطلاح نقش خود را به درستی بازی کند.

خواست، توقع یا چشمداشت فرد کنشگر در خصوص به دست آوردن یا واگذاری پایگاههای متناسب با هنجارهای عمل شده، از موقعیت‌های دیگر را انتظار می‌نامیم. در واقع انتظار نقش اجتماعی یک یا مجموعه‌ای از موقعیت‌های اجتماعی را پدید آورده است و از صاحبان و احرازکنندگان آن موقعیت‌ها انتظار می‌رود که ایفای نقش کنند. انتظارات سیاسی گوناگون شهروندان از دولت نیز به معنای انتظارات و تفسیر آنان از مجموعه وظایف سیاسی موقعیت اجتماعی دولت است. شهروندان از نقش‌ها، وظایف و کارکردهای دولت در عرصه سیاسی برداشت‌های گوناگون و متفاوت دارند، آماروی هم‌رفته انتظار دارند که دولت نقش‌ها و وظایف خود را به درستی ایفا کند.

مفهوم انگیزش:

آن» (رفعی پور، ۱۳۷۰، ص ۱۴) در تعریف روانشناسان از این مفهوم بیشتر بر عوامل درونی و انگیزه‌های فردی تأکید شده است، اما جامعه‌شناسان بیشتر بر جنبه اجتماعی پدیده نیاز تأکید دارند. آنان نیازها را کمتر یک پدیده طبیعی و فطری با هدف شخصی و بیشتر ناشی از تلقین جامعه می‌دانند.

«هوندیش» جامعه‌شناس، بر محرک‌های بیرونی (اجتماعی) بعنوان عوامل اصلی پدید آورنده نیاز انگشت می‌گذارد. (رفعی پور، ۱۳۷۰، صص ۱۵-۱۶)

عوامل مؤثر در ایجاد نیازها و انتظارات:

برای اینکه بتوان رفتار فرد را بهتر پیش‌بینی کرد باید از انگیزه‌های درونی او و عوامل بیرونی یا محیطی آگاه بود. شمار نیازهایی که در محیط ویژه‌ای برانگیخته می‌شود یا شمار عوامل محیطی نسبت مستقیم دارد. این عوامل می‌تواند عوامل اجتماعی، امکانات طبیعی، عوامل اقتصادی و... باشد.

دسته‌ای از نیازها هم بر آیند زندگی اجتماعی انسان است یعنی اگر انسان زندگی اجتماعی نمی‌داشت، این نیازها برای او پدید نمی‌آمد تا جایی که برخی از آنها در شرایطی ویژه از نیازهای فیزیولوژیک برای فرد با اهمیت تر تلقی شود.

برخی دیگر از نیازها بر آیند روابط اجتماعی و کنش‌های متقابل آنها یا محیط افراد است. انسان از دنیای اطرافش و آنچه در پیرامون او می‌گذرد و تماسهایی که با دیگران دارد اثر می‌پذیرد.

فرهنگ هر جامعه بویژه شیوه زندگی و آداب و رسوم آن نیز در پیدایی نیازها یا اولویت یافتن برخی از نیازها اثری بسزا دارد. از این روست که «مازلو» به فرهنگ بعنوان عاملی مؤثر در پیدایی نیازها توجه دارد. «نقش تعیین‌کنندگی فرهنگ در پیدایی نیازها را نه تنها در محیط بلکه در خود ارگانیزم نیز باید مد نظر داشته باشیم.» (مازلو، ۱۳۷۲، ص ۶۲) سیاست‌هایی که اداره‌کنندگان جامعه اعمال می‌کنند نیز از عوامل مؤثر در پیدایش انتظارات است. از دیگر عوامل مؤثر در پیدایش نیازها و انتظارات بالا رفتن سطح تحصیلات فرد و خانواده اوست. هر چه تحصیلات افراد بیشتر می‌شود نیازهای تازه‌ای شکل می‌گیرد و انتظارات گوناگونی پدید می‌آید.

«شومبار دلو» کاتالهای تولید نیازها را چنین برمی‌شمارد:

- ۱- وسایل ارتباط جمعی: تلویزیون، سینما، روزنامه، مجلات و کتابها
- ۲- آژانس‌های تخصصی، وزارتخانه‌ها، سازمانها، ادارات
- ۳- همسایگان، دوستان، پدر و مادر، محیط اجتماعی، منطقه سکونت، پایگاه اجتماعی، خانواده پدری، دوستان و همکاران
- ۴- دانش: اطلاعات عمومی، آگاهی از مسائل سیاسی روز در داخل و خارج کشور
- ۵- سطح آموزش: تحصیلات، کلاسهای آموزشی
- ۶- نظام ارزشها: ارزشهای مذهبی، ارزشهای اجتماعی، ارزشهای فردی
- ۷- مشارکت اجتماعی: شغل، شوراها، احزاب،

«وین ماندی» (R. Wayne Monday) انگیزش را علاقه داشتن به فعالیت‌هایی می‌داند که برای رسیدن به هدفهای سیستم مورد نظر لازم است. (Monday, 1988: 354) «فرایند انگیزش به نیروهای پیچیده، سائقها، نیازها، شرایط تنش‌زایا مکانیسمهای دیگر اطلاق می‌گردد که فعالیت فرد را برای تحقق هدفهای وی آغاز کرده و به آن تداوم می‌بخشد.» (نایلی، ۱۳۷۳، صص ۱۳-۱۲)

مفهوم نقش:

نقش اجتماعی به معنی «بر آورده کردن انتظارات اعضاء گروهی اجتماعی» یا در واقع به معنی «چگونگی عمل کردن به قواعد و هنجارها در یک موقعیت اجتماعی» است. (رفعی پور، ۱۳۷۸، ص ۴۱۴)

دولت به لحاظ نقش‌هایی که بر عهده دارد دارای موقعیت‌هایی است. این موقعیت‌ها در ارتباط با شماری موقعیت‌های دیگر است؛ و در رابطه با آنهاست که مفهوم می‌یابد. برای نمونه، اگر موقعیت دولت (قوة مجریه) را بعنوان یک موقعیت در مرکز قرار دهیم، هر موقعیت دیگری که با آن ارتباط دارد موقعیت متقابل آن خواهد بود. موقعیت قوای مقننه و قضائیه، شورای نگهبان، مجلس خبرگان رهبری، مجمع تشخیص مصلحت نظام و حتی موقعیت‌های اجتماعی و سیاسی گوناگون شهروندان، موقعیت‌های متقابل دولت (قوة مجریه) را تشکیل می‌دهند. دارندگان هر یک از موقعیت‌های متقابل از موقعیت مرکزی انتظاراتی دارند که باید آنها را بر آورده سازد.

دولت، نقش‌های گوناگونی در جامعه دارد که یکی از آنها نقش سیاسی است؛ اما این نقش‌ها پیچیده و درهم تنیده است و در طرز تفکر، شیوه‌های رفتاری و کارکرد دولت جلوه‌گر می‌شود. نقش دولت (قوة مجریه) صرف نظر از تنوع در پیچیدگی ساخت‌های سیاسی، ارزشهای فرهنگی و اجتماعی یا موقعیت‌های جغرافیایی، در همه جا کمابیش یکسان است. در مقابل، هنجارها تعیین‌کننده حقوق، وظایف و روابط دولت (قوة مجریه) با دیگر نهادها و اجزای جامعه است؛ هنجارها نیز در جوامع گوناگون یکسره متفاوت است. (بالمرو و همکاران، ۱۳۷۱، ص ۴۸) بسیاری از دانشمندان علوم سیاسی و اجتماعی مفهوم نقش را چنان به کار می‌برند که همزمان در برگیرنده موقعیت و هنجار باشد. (همان، ص ۴۹)

مفهوم نیاز:

«فن هرمان» در سال ۱۸۳۲ واژه نیاز را چنین تعریف کرد: «احساس یک کمبود همراه با کوشش در جهت برطرف کردن

می‌شوند. فرد آنها را از لحاظ قابل حصول یا غیر قابل حصول بودن تفسیر می‌کند. این تفسیر بر انتظار یا توقع او تأثیر می‌گذارد اگر انتظار قوی باشد، نیروی انگیزه افزایش خواهد یافت.» (بلاچارد، ۱۳۶۵، ص ۲۸)

از سویی، چنین می‌نماید که نیازهای انسان نامحدود ولی امکاناتش برای ارضای این نیازها محدود است و به تنهایی نمی‌تواند آنها را برآورده سازد؛ بنابراین از برخی کسان و سازمانهای جامعه انتظار دارد به او در جهت برآورده شدن نیازهایش کمک کنند. دولت یکی از این سازمانهای اجتماعی است که مهمترین وظیفه‌اش بر آوردن نیازهای گوناگون جامعه است. جایگاه و وظایف دولت ایجاب می‌کند که شهروندان از او انتظاراتی داشته باشند و این انتظار همسان انتظار از نقش (عملکرد) است یعنی مجموعه رفتارهایی که دیگران انتظار دارند شخص یا سازمانی که موقعیت خاصی دارد انجام دهد.

«انتظار معیاری برای ارزیابی فردی یا سازمانی است که دارای موقعیت معینی می‌باشد. به عبارت دیگر می‌توان گفت انتظار یعنی دارنده یک پایگاه اجتماعی معین چه باید انجام دهد تا مناسب موقعیت مورد نظر باشد.» (جامعه امروز، ۱۳۵۶، ص ۱۲۵) در کتاب «مدیریت رفتار سازمانی» نیز به این نکته اشاره شده است که «... رفتار یک فرد در یک سازمان نتیجه تأثیر متقابل انتظارات و شخصیت است. برخی نقش‌ها، بیشتر به وسیله انتظارات پی‌ریزی و ساخته می‌شوند... مثلاً می‌توان گفت رفتار یک سرباز در ارتش تقریباً بطور کامل با انتظارات نقش تطبیق می‌کند.» (بلاچارد، ۱۳۶۵، ص ۱۰۹) از این بیان تأثیر انتظارات بر رفتار نیز به خوبی آشکار است؛ رفتاری که خود برخاسته از نیاز یا نیازهای گوناگون است.

ارتباط نیاز و انگیزش:

«هرگاه در سیستم نیازی پدید آید دچار حالتی می‌گردد که به آن انگیزش گویند و پس از انگیزش است که انگیزه پیدای می‌شود و موجب رفتار می‌گردد.» بنابراین اگر انگیزش یا انگیزه‌ای در فرد پدید نیاید رفتاری هم بروز نخواهد یافت. گاهی ممکن است این حالت پدید آید و سیستم خودبخود کمبودهایش را رفع کند و دوباره تعادل را برقرار سازد. پس نیازی که یکسره برآورده شده باشد تأثیری در انگیزش ندارد. هر اندازه یک نیاز برآورده شود به همان نسبت از قدرت انگیزشی آن هم کاسته می‌شود و اهمیت نیاز بالاتر از آن افزایش می‌یابد.

بنابراین یک نیاز زمانی می‌تواند ایجاد انگیزش کند که به شکل مسلط در آمده باشد. انگیزش همواره بر همه فعل و انفعالات فیزیکی و روانی انسان اثر می‌گذارد و نازمانی که نیاز

از دید خانم «هروشکا» (Hruschka) تجربه عامل مؤثری در پیدایش نیازها و انتظارات است. از دید او، رسیدن به هدفها و برآورده شدن نیازها همواره با احساس خشنودی همراه است و برعکس برآورده نشدن نیاز، ناخشنودی و ارزشهای احساسی منفی به دنبال دارد. این خاطرات همراه با احساسهای ارزشی در حافظه باقی می‌ماند و چیزی را که ما تجربه می‌نماییم، می‌سازد. چنین است که تکرار و تراکم تجربیات همراه با احساس ارزشی آن بر خواسته‌ها و انتظارات اثر می‌گذارد. (Hruschka, 1979:21). روزن اشتنیل (Rosen Stiel) در آثارش درباره کارآیی و ارزیابی سازمانها به چند عامل مؤثر بر انتظارات اشاره می‌کند:

۱- ارضای نیاز ۲- تجربه ۳- رضایت افراد ۴- میزان دسترسی به اهداف تعیین شده ۵- کارآیی بهتر برای حل مسائل. (Stiel, 1972: 167)

ارتباط نیاز و انتظار:

چنان که پیشتر گفته شد، منظور از «انتظار»، انتظار از موقعیت است و اساس این معنا بر این پایه استوار است که تأخیر در برآورده شدن نیاز، فرد را با خواست رویه‌رو می‌کند و از منظر روان‌شناسی به شکل آرزو در فرد بروز خواهد کرد. اگر این خواست‌ها در عالم خارج به سوی «موقعیت» جهت‌گیری شود، انتظار نام می‌گیرد.

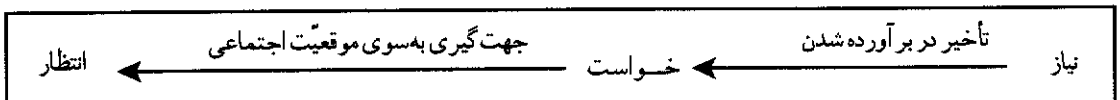
«کوهن» (A.S. Cohan) آرای برخی از نظریه‌پردازان انقلاب دریاب انتظار را در کتاب خود «تئوریهای انقلاب» با عنوان «تئوریهای انتظارات فزاینده» مورد بررسی قرار داده است. خودوی در این باره می‌گوید:

«مادامی که مردم دستکم بخش چشمگیری از آنچه را که انتظار دارند به دست می‌آورند احتمال اینکه قیام کنند بعید است.» (کوهن، ۱۳۷۲، ص ۲۰۲)

او همچنین دیدگاههای «تانتز» (Tanter) و «میدلارسکی» (Midlarsky) و «دیویس» (Davis) را در این باره در کتاب خود آورده است و از قول دو تو کویل می‌نویسد:

«همراه با بهبود وضعیت زندگی، انسانها توقع دارند که روند بهبود همچنان ادامه یابد.» (کوهن، ۱۳۷۲، ص ۲۰۱)

باید دانست که هرچه نیاز مهمتر باشد یعنی به گونه‌ی نیازی مسلط‌تر در آید انتظار نیز شدیدتر خواهد بود و این همان چیزی است که زیر عنوان اولویت‌بندی نیازها و انتظارات گوناگون سیاسی به آن پرداخته شده است. «... نیازهای درونی یک فرد به هدفهایی که آرزوهایی در محیط زندگی بشمار می‌روند معطوف



بر آورده نشده باشد در کل سیستم موجود زنده تعادل برقرار نمی‌شود. «مازلو» در این باره چنین می‌گوید: «فرد کلی یکپارچه و سازمان یافته است و روان‌شناسان معمولاً این معنی را متواضعانه می‌پذیرند... به همین دلیل در انگیزش، کل یک فرد بر انگیزخته می‌شود نه جزئی از او. از این رو در یک نظریهٔ سنجیده و دقیق از انگیزش می‌توان گفت که تنها نیاز فرد مطرح است.» ویژگی یگانگی ارگانیزم انسانی هنگامی که نیازی خاص بر آن چیره می‌شود این است که همهٔ فلسفهٔ مربوط به آینده نیز دستخوش دگرگونی می‌شود. گاهی ارضای یک نیاز نه به خاطر خود آن نیاز بلکه برای ارضای نیاز و بالاتری است که بر آورده شدن آن بستگی به ارضای نیاز پایین تر دارد.

موضوع دیگری که با سلسله مراتبی بودن نیازها در ارتباط است موضوع پویایی نیازها است. هنگامی که یک نیاز بر آورده شد، واسطه‌ای برای پدید آمدن نیازها و بالاتر می‌شود. چون انگیزه سبب انگیزش می‌شود شماری به خطا، انگیزه را همان نیاز دانسته‌اند و این خطا از آنجا برخاسته است که همیشه انگیزه است که انگیزش را به دنبال دارد.

ارتباط نیاز و رفتار:

انگیزش انسان در جهت برگشت به تعادل نخستین، موجب حرکت و رفتار در او می‌شود. بنابراین می‌توان گفت که عامل اصلی رفتار انسان نیاز بر آورده نشده‌ای است که سبب انگیزش شده است یا به سخن دیگر موتور حرکت انسان نیاز است و این نکته‌ای است که روان‌شناسان همگی بر آنند.

بنابراین نیاز مهمترین عامل محرکی است که انسان را به فعالیت وامی‌دارد و اگر فرد در این فعالیت کامیاب شود نیاز او بر آورده شده است و آن نیاز نخواهد توانست سبب رفتاری شود ولی اگر رفتار با ناکامی روبه‌رو شود نیاز می‌تواند سبب همان رفتار یا رفتارهای دیگری شود. چون نیازهای آدمی بی‌شمار و گوناگون است رفتارهایی که از افراد سر می‌زند متفاوت و متنوع خواهد بود اما از میان این نیازهای گوناگون انسان، نیازی خواهد توانست سبب رفتار شود که به گونهٔ نیاز مسلط در آمده باشد. چنان که گفته شد، یک رفتار ممکن است برخاسته از چند نیاز گوناگون باشد.

اگر قدرت نیاز افزایش یا کاهش یابد رفتار نیز تغییر خواهد کرد به گونه‌ای که می‌توان گفت میان نیاز بر آورده نشده و رفتار رابطه مستقیم وجود دارد. رفتاری که از آدمی سر می‌زند می‌تواند به دو گونه باشد:

- ۱- رفتاری که معطوف به هدفی است.
- ۲- رفتار هدف یا فعالیت هدف و آن وقتی است که فرد به هدف رسیده است و رفتاری از خود بروز می‌دهد. البته اگر هدف (یا اهداف) در دسترس نباشد یا دست نیافتنی باشد، رفتار

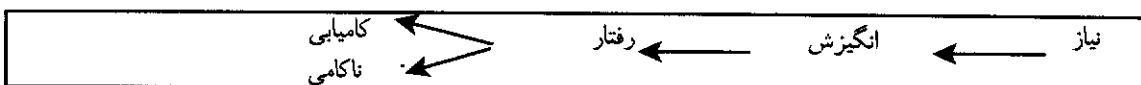
انسان (یا انسانها) هم بر پایهٔ شناخت از واقعیت شکل می‌گیرد. بنابراین می‌توان گفت که نیازها محرک رفتار است. در زمینهٔ رفتارهای سیاسی نیز ممکن است نیازهایی ویژه، شهروندان را به سوی این رفتارها سوق داده باشد. البته نیاز سیمایی ثابت ندارد بلکه از فردی به فرد دیگر تغییر می‌کند. برای نمونه، برخی کسان نیاز قدرت و سلطه‌جویی بالایی دارند ولی شماری دیگر کمتر این نیاز را احساس می‌کنند. برای بررسی تأثیر نیازها بر رفتار سیاسی نیازمند رجوع به مفهوم انگیزش هستیم. باید در نظر داشت که مفهوم انگیزش در تبیین رفتار بر آورده دو تقاضا است: نخست تقاضا برای تبیین شدت رفتار و دوم تقاضا برای تبیین جهت رفتار.

ارضای نیاز:

وقتی نیاز شکل گرفت باید برای بر آورده ساختن آن کوشید؛ یعنی نیاز به اندازه‌ای بر آورده شود که قدرت انگیزشی خود را از دست بدهد و نیاز بعدی بر ارگانیزم چیره شود. ارضای نیازها به اندازهٔ دلخواه باعث می‌شود زندگی شخص آسان و با موفقیت همراه باشد و در این صورت است که ارگانیزم انسانی خواهد توانست همزمان کارهای بسیار انجام دهد و در جهت‌های متعدد سیر کند و سرانجام موجب استواری و پیوستگی فعالیت‌های اعضای جوامع بشری شود. همچنین بر آورده شدن نیازهای حقیقی گذشته از آثاری که در شکل‌گیری شخصیت دارد موجب می‌شود که فرد به بیماریهای روانی گرفتار نیاید و شخصیتی متعادل داشته باشد.

«در صورتیکه انسانها بتوانند به حد غایت مطلوب و ممتاز به تمایلات و خواسته‌های خود برسند آنگاه می‌توان در جامعه انسانهای خوش‌بین، پرکار و پرثمر یافت زیرا این دسته از افراد دارای روحیه و تصمیمی قوی برای بهزیستی می‌گردند.» (پرهیزگار، ۱۳۶۸، ص ۲۰۲) «ارضاء نیازهای اساسی بشر می‌تواند او را نه تنها از لحاظ ساختار منشی، بلکه بعنوان یک شهروند در صحنه ملی و بین‌المللی و همین‌طور در روابط اجتماعی تکامل بخشد.» (مازلو، ۱۳۷۲، ص ۱۱۴) اما اینکه چرا شخص شیوه‌ای خاص برای بر آورده ساختن نیاز بر می‌گزیند بستگی به عوامل و شرایطی دارد که از آن جمله آداب و رسوم و رفتارهای رایج در آن جامعه است.

«شرایط معینی وجود دارد که برای ارضاء نیازهای اساسی لوازمی بلافصل و مستقیم به‌شمار می‌روند. در مقابل خطراتی که متوجه این لوازم است چنان واکنش نشان داده می‌شود که گویی خطر مستقیماً متوجه خود نیازهای اساسی بوده است. شرایطی از قبیل آزادی بیان، آزادی در انجام آنچه که شخص تمایل به انجام آن دارد تا جایی که زیانی به دیگران نرسد، آزادی



وجود اختلاف میان انتظارات ارزشی خویش با توانایی‌ها و قابلیت‌های ارزشی محیط تعریف می‌شود.» (کوهن، ۱۳۷۲، ص ۲۰۵) انتظارات ارزشی آن دسته از شرایط زندگی است که مردمان خود را به گونه‌ای موجه سزوار آن می‌بینند. توانایی‌های ارزشی اشاره به چیزهایی دارد که بیشتر در محیط اجتماعی و فیزیکی باید آنها را یافت؛ شرایطی که چارچوب تصویری شهروندان را در زمینه به دست آوردن یا حفظ ارزش‌هایی معین می‌کند که افراد به گونه‌ای مشروع انتظار به دست آوردن آنها را دارند. (گر، ۱۳۷۷، ص ۵۲)

«مادامی که دست کم بخش قابل ملاحظه‌ای از آنچه را که انتظار دارند بدست می‌آورند. احتمال اینکه قیام کنند بعید است ولی چنانچه میزان واقعی رضای نیازها شروع به نزول کند و در عین حال میزان مورد توقع رضای نیازها همچنان در حال صعود باقی بماند در این صورت بین این دو شکاف وسیعی شروع به گسترش می‌کند. وقتی که شکاف میان آنچه مردم می‌خواهند و آنچه بدست می‌آورند غیر قابل تحمل شود آنان برای از میان برداشتن هر آنچه که در سر راه خواسته‌هایشان قرار گرفته دست به قیام خواهند زد.» (کوهن، ۱۳۷۲، ص ۲۰۲)

به علت محدود بودن فرصت‌های تحرک اجتماعی-اقتصادی، افراد برای بر آوردن نیازهای خویش به سیاست روی می‌آورند. (هاتسینگتون، ۱۳۷۰، صص ۸۶ تا ۸۴) گاهی ناهمخوانی سیاست‌های دولتمردان با نیازهای شهروندان موجب اعتراض و ناخشنودی و سرانجام شورش می‌شود. «تجربیات و تحقیقات نشان داده‌اند که تصمیمات و اقدامات سیاستمداران تا حد زیادی از نیازهای مردم انحراف دارد و بسیاری از تضادهای اجتماعی که به‌هنگام آنها از ناراضی ساده و اعلام مخالفت تا انقلاب می‌رسد از همین جا سرچشمه می‌گیرند.» (رفیع پور، ۱۳۷۰، ص ۷) گاهی ناخشنودی اجتماعی بدین گونه پیش می‌آید که شهروندان برای مدت زمانی کم‌ابیش دراز توانسته‌اند نیازهای خود را به آسانی بر آورده سازند و انتظار دارند که روند رضای نیازها همچنان ادامه یابد اما عواملی مانند بحرانهای سخت و ناگهانی اقتصادی سبب شده است که نیازها مانند گذشته بر آورده نشود.

چگونه می‌توان از انتظارات به آثار ناکامی

نیازها پی برد؟

اگر نیاز به گونه نسبی بر آورده شده باشد نمی‌تواند سبب انگیزش شود؛ به سخن دیگر نیازی در میان نیست تا انگیزه‌ای وجود داشته باشد. بنابراین اگر فرد انتظاراتی از شخص یا سازمانی دارد بدین سبب است که هنوز نیازهای بر آورده نشده‌ای (هر چند اکتسابی یا ثانویه) دارد که توانسته است سبب انگیزش او شود.

اظهار عقیده، آزادی تفحص و جستجو برای کسب اطلاعات، آزادی دفاع از خود، انتظار عدالت، انصاف، صداقت و نظم در این گروه نمونه‌هایی هستند از چنین پیش شرط‌هایی برای ارضاء نیازهای اساسی.» (مازلو، ۱۳۷۲، ص ۸۴)

آثار تأخیر در بر آورده شدن نیاز:

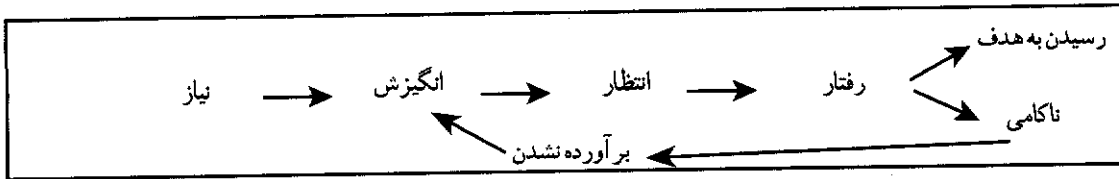
عواملی چون جنگ، بلاای طبیعی، بحرانهای اقتصادی و ناهنجاریهای اجتماعی باعث می‌شود که بیشتر مردمان نتوانند نیازهای بنیادی خود را به اندازه دلخواه بر آورده سازند. از آثار دیگر تأخیر در رضای نیازها، نشستن رفتار غیر عقلانی و غیر منطقی به جای رفتار عقلانی و منطقی است. هنگامی که انسانها در رضای نیاز با مانعی روبه‌رو شوند و این مانع پابرجا باشد و از سوی دیگر نیاز همچنان قدرت انگیزشی داشته باشد سبب ناکامی خواهد شد و نتیجه ناکامی بروز رفتار غیر عقلانی در قالب‌های گوناگون از جمله انحرافات و شورشهای اجتماعی، خشونت و دشمنی، انفغال و بی تفاوتی، اندیشه و رفتارهای واپسگرایانه و... است.

یکی از آثار تأخیر در رضای نیازها پدید آمدن احساس محرومیت نسبی و آثار برخاسته از آن مانند خشونت و... است. احساس محرومیت نسبی زمانی پدید می‌آید که فرد ببیند دیگران ابزارهایی برای بر آوردن نیاز در اختیار دارند و او نیز خواهان آن است اما امکان دستیابی به آن را ندارد. اگر این احساس شکل گیرد، آثار خود را که همان سر خوردگی و ناراضی‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در میان توده شهروندان و... است، نشان خواهد داد.

همچنین هر گاه میزان نیاز بر آورده شده با میزان مورد انتظار یکی نباشد میان این دو شکافی پدید می‌آید که شکاف میان خواسته و داشته نامیده می‌شود و اگر این شکاف ژرف باشد، ناخرسندی و سر خوردگی اجتماعی به بار می‌آورد که زمینه ساز اعتراض و شورش خواهد بود. البته اندکی شکاف از این دست طبیعی است.

رابرت گر (R. Guar) از نظریه پردازان انقلاب معتقد است که اگر این احساس در جامعه سنگین یا ژرف و در سطحی گسترده باشد، در شرایطی ویژه، شورش‌های سیاسی روی می‌دهد. شدت و ژرفای احساس محرومیت نسبی بستگی دارد به برداشت ذهنی شهروندان از فاصله میان انتظارات ارزشی و امکانات بر آورده شدن نیاز ارزشی. هر چه فاصله انتظارات (یا احساس نیاز) و امکانات بر آورده شدن نیاز بیشتر باشد، احساس محرومیت و بی عدالتی نسبی بیشتر می‌شود. (رفیع پور، ۱۳۷۸، ص ۳۲) رابرت گر در این زمینه می‌گوید:

«... پیش شرط لازم برای ستیز خشونت بار مدنی وجود محرومیت نسبی است که به صورت احساس بازیگران مبتنی بر



نظریه فرهنگ سیاسی:

در مورد حقوق، توانمندیها، تعهدات و استراتژی‌های مربوط به دسترسی به نقطه نفوذ چه شناختی دارد و درباره توانمندیهای خود چگونه می‌اندیشد؟ (Almond and Verba, 1963: 17)

هر جامعه فرهنگ سیاسی ویژه خود را دارد که به فرایندهای سیاسی معنا و جهت می‌دهد. رفتارهای سیاسی افراد، گروهها، جامعه و حتی دولت به فرهنگ سیاسی آنها بستگی دارد. فرهنگ سیاسی ویژه هر جامعه برداشت‌ها، گرایش‌ها و تفاوت‌های مردمان آن جامعه را در رابطه با مشروعیت و کارکرد سیاسی تعیین می‌کند که این خود تعیین‌کننده رفتارهای سیاسی در آن جامعه خواهد بود. کلید رفتارهای سیاسی در بستر فرهنگ سیاسی هفتمه است. برای توضیح و تشریح رفتار سیاسی باید فرهنگ سیاسی را شناخت. در واقع فرهنگ سیاسی است رفتارهای سیاسی جامعه را هدایت می‌کند. فرهنگ سیاسی بر آیین تاریخ نظام سیاسی و اعضای منفرد نظام است و ریشه در رویدادهای اجتماعی و تجارب فردی دارد. فرهنگ سیاسی رویکرد ذهنی یا نگرش افراد را به موضوعات اجتماعی تا اندازه زیادی تعیین می‌کند. با بررسی دقیق فرهنگ سیاسی می‌توان به فرایند تبدیل تقاضاها و خواست‌ها و انتظارات به تصمیمات، استراتژی‌ها و سیاست‌هایی برد. (Edowse and Hughes, 1986: 70)

گونه‌های فرهنگ سیاسی:

آلموند و وربا بر پایه ضوابط یادشده سنخ‌بندی سه بخشی از فرهنگهای سیاسی به دست داده‌اند.

گونه‌های ناب فرهنگ سیاسی به اعتقاد آنها عبارت است از:

- ۱- فرهنگ سیاسی مشارکتی
- ۲- فرهنگ سیاسی تبعی
- ۳- فرهنگ سیاسی محدود
- ۴- فرهنگ سیاسی مختلط.

فرهنگ سیاسی مشارکتی:

این فرهنگ در جوامع پیشرفته وجود دارد. در این جوامع شهروندان در زندگی سیاسی مشارکت می‌کنند. به سخن دیگر: مردم به «شهروند بودن» خود آگاهند و به سیاست نیز توجه دارند.

- در کار تصمیم‌گیری سیاسی دخالت می‌کنند.
- به نظام سیاسی کشورشان افتخار می‌کنند و ...

بنابراین درجه بالایی از صلاحیت و کارایی سیاسی را نشان می‌دهند. فرهنگ سیاسی مشارکتی آشکارا مناسبترین زمینه برای حفظ دموکراسی است.

فرهنگ سیاسی تبعی:

فرهنگ سیاسی، گرایش ذهنی ملت‌ها، گروههای اجتماعی یا افراد به سیاست است و تا اندازه‌ای الگوهای رفتار سیاسی را شکل می‌دهد. نظام باورهای مذهبی، نمادهای بیانی، ارزشهای اجتماعی، ادراک ذهنی از تاریخ و سیاست، ارزشهای بنیادی، چگونگی بازنمایی احساس جلال و شکوه، دریافتها و تأملات سیاسی که بر آیین تجارب تاریخی ویژه ملت‌ها و گروههاست و چارچوبی باز خوردی و رفتاری که نظام سیاسی در آن جای گرفته است می‌تواند در مفهوم به نسبت گسترده فرهنگ سیاسی جای گیرد. لوسین بای معتقد است فرهنگ سیاسی مجموعه باوردها، اعتقادات و احساساتی است که به روند سیاسی سامان می‌دهد و اصول و قواعد تعیین‌کننده حاکم بر رفتار نظام سیاسی را مشخص می‌کند.

تالکوت پارسنز بر آن است که در زمینه فرهنگ سیاسی، ما با جهت‌گیری نسبت به هدفهای سیاسی رویرو هستیم. این جهت‌گیریها به سوی اقدام سیاسی است و عواملی مانند سنت‌ها، خاطره‌های تاریخی، انگیزه‌ها، هنجارها، احساسات و نمادها، آن را شکل می‌دهند. یاول و آلموند هم معتقدند مردمان با فرهنگ سیاسی خود به جهان سیاست می‌نگرند و جهت‌گیری می‌گیرند که این جهت‌گیریها سه بخش دارد: ۱- جهت‌گیری شناختی، که نمایانگر شناخت درست یا نادرست از نظام سیاسی است ۲- جهت‌گیری اثرگذار، که نمایانگر احساس و ابستگی، درگیری و به کارگیری، رد و انکار و توجه به هدفهای سیاسی است ۳- جهت‌گیری مبتنی بر ارزشیابی، که نمایانگر داوری‌ها و اعتقادات درباره هدفهای سیاسی است و همواره معیارهای ارزشی را در مورد هدفها و رخدادهای سیاسی به کار می‌برد. آلموند و وربا ضابطه‌های زیر را برای ارزیابی فرهنگ‌های سیاسی مطرح کرده‌اند.

- ۱- فرد چه شناختی در مورد ملت و چه شناختی از تاریخ آن، اندازه، موقعیت، قدرت، ویژگیهای قانون اساسی و مانند اینها دارد؟ احساساتش نسبت به نظم اجتماعی چیست؟
- ۲- از ساختارها و نقش نخبگان گوناگون سیاسی و سیاستهایی که در روند رو به بالای تصمیم‌گیری پیشنهاد می‌شود، چه شناختی دارد؟
- ۳- از جریان رو به پایین اجرای راهبردها، ساخت‌ها، مردمان و تصمیمات مربوط به این روند چه شناختی دارد و احساسش درباره آنها چیست؟
- ۴- فرد چگونه خود را عنصری از نظام سیاسی می‌پندارد؟

حماسی و مبارزه‌جویانه از خود نشان داده‌اند و همواره فرهنگ این سرزمین متأثر از عناصر ملی و مذهبی بوده، اما وجود حضور صفات و عناصر منفی در جامعه را نیز نمی‌توان نادیده گرفت. این عناصر که بر سر هم بر شکل و درونمایه فرهنگ سیاسی سایه می‌افکنند عبارت است از:

گرایش به استبداد و خودکامگی، تکروی و فردگرایی، سلطه‌پذیری، تسلیم، تقلید، اندیشه قضا و قدری، سطحی‌نگری، بی‌اعتمادی. قانون‌گریزی، ریاکاری، کج‌اندیشی و نبود تسامح سیاسی، بدبینی، بی‌حرمتی به رقیب، دشمن‌انگاری، فقر آموزشی، خشونت، توطئه و تزویر، تضادهای ژرف فکری و اجتماعی مانند محافظه‌کاری، کهنه‌گرایی از یکسو و بیگانه‌گرایی و واهادگی فرهنگی از سوی دیگر.

بیشتر پژوهشگران ایرانی که در تکاپوی روشن ساختن موانع توسعه پایدار و پیش‌نیازهای پیشرفت و توسعه اجتماعی و اقتصادی و سیاسی، تاریخ و فرهنگ ایران را بررسی و تحلیل کرده‌اند کم و بیش بر سر نکات یاد شده هم عقیده‌اند. (کاظمی، ۱۳۷۶، صص ۱۷۲-۱۳۳)

فرضیات تحقیق:

- ۱- میان انتظارات سیاسی زنان و مردان از دولت تفاوتی معنادار وجود دارد.
- ۲- چه بسا پاسخگویی که سن کمتری دارند. انتظارات سیاسی بیشتری از دولت داشته باشند.
- ۳- چه بسا متأهل بودن پاسخگویان بر انتظارات سیاسی آنان از دولت مؤثر باشد.
- ۴- هر چه میزان تحصیلات پاسخگویان بالاتر باشد، انتظارات سیاسی آنان از دولت بیشتر است.
- ۵- هر چه وضع اجتماعی و اقتصادی پاسخگویان بهتر باشد، انتظارات سیاسی آنان از دولت بیشتر است.
- ۶- فرهنگ سیاسی جامعه بر انتظارات سیاسی شهروندان از دولت اثر می‌گذارد.
- ۷- میان تحصیلات و فرهنگ سیاسی جامعه همبستگی وجود دارد.
- ۸- میان وضع اجتماعی، اقتصادی پاسخگویان و فرهنگ سیاسی جامعه همبستگی وجود دارد.

روش انجام تحقیق:

با توجه به موضوع و اهداف پژوهش حاضر، روش تحقیق از نوع پیمایشی و مقطعی است.

شیوه گردآوری اطلاعات:

از آنجا که روش مادر گردآوری اطلاعات پیمایشی است، از پرسشنامه برای گردآوری اطلاعات استفاده شده است.

در این فرهنگ مردمان خود را «شهروند» می‌دانند و به سیاست نیز توجه دارند، اما به گونه انفعالی با سیاست درگیرند؛ اخبار سیاسی را پیگیری می‌کنند اما به نظام سیاسی خود نمی‌بالند و نسبت به آن چندان تعهد و تکلیفی احساس نمی‌کنند؛ گرایشی به اظهار نظر درباره مسایل سیاسی ندارند و آن را موضوع مناسبی برای گفتگو نمی‌دانند؛ شناختشان از صلاحیت و کارایی سیاسی در سطح بسیار پایینی است؛ شماری هم می‌پندارند به هیچ روی قدرت سیاسی ندارند؛ انتخابات شرکت می‌کنند اما صمیمانه رأی نمی‌دهند؛ زیرساختهای جامعه را نمی‌شناسند و از خود بعنوان مطرح‌کنندگان خواستها شناخت روشنی ندارند و... در سایه چنین فرهنگی که شهروندان خود را یکسره تابع می‌دانند دموکراسی به دشواری می‌تواند ریشه استوار یابد.

فرهنگ سیاسی محدود:

این فرهنگ به کسانی مربوط است که از نظام سیاسی خود آگاهی چندانی ندارند یا یکسره از آن آگاه نیستند؛ نمی‌پندارند که یک شهروند یا عضوی از یک جامعه (ملت) هستند. این فرهنگ در جوامع سنتی و عقب مانده نیرومندتر است؛ وفاداریهای بسیار محدود دارند، به نظام سیاسی کشورشان نمی‌بالند و از آن هم انتظاری ندارند؛ به سیاست اعتنا نمی‌کنند، از آن اطلاع چندانی ندارند و کمتر درباره مسائل سیاسی سخن می‌گویند؛ در رویارویی با نهادهای موجود خود را ناتوان می‌دانند.

گسترش دموکراسی در سایه فرهنگ سیاسی محدود بسیار دشوار است زیرا جامعه نه تنها نیازمند نهادهای تازه سیاسی، بلکه القای احساس تازه «شهروندی» است.

فرهنگ سیاسی مختلط:

آموذ و وریا به گونه دیگری از فرهنگ سیاسی اشاره کرده‌اند و آن را فرهنگ سیاسی مختلط نام نهاده‌اند. آنان معتقدند هیچ کشوری نیست که در آن تنها فرهنگ سیاسی مشارکتی یا محدود یا تبعی وجود داشته باشد. آنان در پژوهشهای خود دریافته‌اند که در آمریکا در عین آنکه فرهنگ سیاسی مشارکت در سطحی بالا است، برخی از بازخوردهای تبعی و محدود نیز وجود دارد. آنان بر این باورند که افراد و فرهنگ سیاسی تبعی و محدود را می‌توان در فرهنگ سیاسی مشارکتی هم دید و یک جامعه ممکن است هر سه بازخوردها داشته باشد. بنابراین یک فرهنگ سیاسی ترکیبی یا مختلط نیز ممکن است وجود داشته باشد؛ ۱- فرهنگ سیاسی مشارکتی-تبعی ۲- فرهنگ سیاسی مشارکتی-محدود ۳- فرهنگ سیاسی تبعی-محدود.

فرهنگ سیاسی ایران:

با اینکه ایرانیان در طول تاریخ ویژگیهای مثبت، پویا، سازنده،

جامعه آماری:

جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش همه ساکنان مشهد در سال ۱۳۸۲ بوده اند که دستکم ۲۰ سال داشته اند.

واحد تحلیل:

در این پژوهش واحد تحلیل فرد است و نتایج حاصل از آن قابل گسترش به افراد جامعه آماری است.

نمونه گیری:

روش نمونه گیری ما در این پژوهش، نمونه گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای است. در نمونه گیری از مشهد به ترتیب زیر اقدام شد:

- ۱- تهیه فهرست مناطق دوازده گانه شهرداری مشهد.
- ۲- نمونه گیری از مناطق دوازده گانه شهرداری مشهد به صورت نمونه گیری تصادفی ساده (قرعه کشی) که به ترتیب مناطق ۹، ۱۱، ۱، ۸، ۴ و ۷ برگزیده شدند.
- ۳- تهیه فهرست همه بلوک‌های مناطق انتخاب شده به تفکیک هر منطقه با کمک اداره آمار و اطلاعات شهرداری مشهد.
- ۴- مراجعه به نقشه جامع شهر مشهد و یادداشت کردن نشانی دقیق هر بلوک.
- ۵- مراجعه به نشانی مورد نظر در بلوک مربوط. پرسشگر به گونه تصادفی زنگ خانه‌ای را به صدا در آورده و با نخستین کسی که رویه‌رو شده و بیش از ۲۰ سال داشته مصاحبه کرده است و اگر کسی در خانه نبوده، به خانه دیگری مراجعه کرده است.

حجم نمونه:

در بر آورد حجم نمونه مراحل زیر طی شده است:

- ۱- تعیین دقت احتمالی ۲- پیدا کردن فرمولی برای بر آورد n
- ۳- پیش بر آورد واریانس متغیر وابسته تحقیق ۴- بر آورد حجم نمونه ۵- ارزیابی n بر آورده شده در پرتو امکانات. (ساعی،

۱۳۷۷، ص ۴۳) حجم نمونه به روش هتروگرادی بی جایگذاری با کاربرد فرمول زیر محاسبه شد:

$$n \geq \frac{N^2 S^2}{e^2 + N S^2}$$

n = شمار نمونه مورد نیاز (حجم نمونه) که مجهول است.
N = شمار کل افراد (اعضای) جامعه آماری مورد بررسی که ۱۱۸۸۱۶۳ نفر هستند.

T = اندازه متغیر در توزیع طبیعی نرمال مربوط به منحنی گاوس که در سطح 0/95 فاصله اطمینان، احتمال صحت گفتار معادل 1/96 است.

S² = واریانس متغیر وابسته - انتظارات سیاسی - را با پیش آزمونی به حجم 50 نفر محاسبه کردیم که برابر 13/2361 به دست آمد.

e = دامنه اطمینان است که از سوی پژوهشگر و همسوا با کار تحقیق معلوم می شود. دامنه اطمینان در سطح 0/05 معادل 1/72 به دست آمد.

$$n \geq \frac{(1/96)^2 (1188163) (13/2361)^2}{(1/96)^2 (13/2361)^2 + (1188163) (1/72)^2} = 227$$

بنابراین با توجه به محاسبات بالا حجم نمونه باید دستکم ۲۲۷ نفر باشد.

متغیرهای تحقیق:

متغیر وابسته:

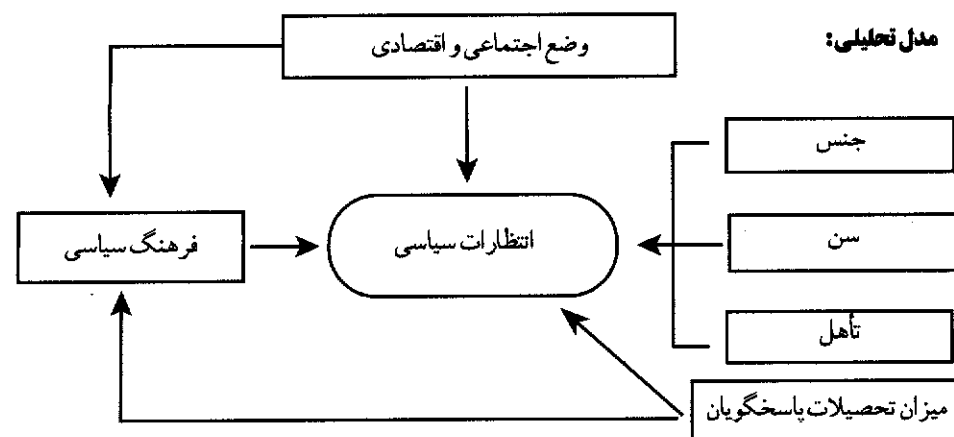
متغیر وابسته در این پژوهش انتظارات سیاسی است.

سنجش متغیر وابسته:

دلیل کاربرد طیف لیکرت در تحقیق حاضر این است که نخست با این طیف میزان و نوع انتظارات به گونه دقیق تر و در سطح سنجش ترتیبی بررسی می شود.

تعریف مفهومی انتظارات سیاسی:

توقعات و خواسته‌های شهروندان در قلمرو مسائل سیاسی



نمودار ۱- مدل تحلیلی انتظارات سیاسی شهروندان از دولت و عوامل مؤثر بر آن

سیاسی ۳- مشارکت سیاسی ۴- نگرش سیاسی عملیاتی شده است که هر یک از این ابعاد دارای چند معرّف (شناسه) است.

اعتبار و قابلیت اعتماد

اعتبار.

منظور از اعتبار این است که آیا آزمون یا ابزار به کار گرفته شده برای اندازه گیری آنچه مورد نظر است مناسب است یا نه. بی آگاهی از اعتبار ابزار اندازه گیری نمی توان به دقیق بودن نتایج اطمینان داشت. اعتبار تحقیق حاضر از چهار بُعد تأمین شده است:

- ۱- اعتبار بیرونی ۲- اعتبار درونی ۳- اعتبار محتوایی ۴- اعتبار ملاک (معیار).

قابلیت اعتماد (Reliability):

درجه قابلیت اعتماد نشان دهنده میزان خطا و اشتباهی است که ابزار اندازه گیری می تواند داشته باشد. در این تحقیق از روش «آلفای کرونباخ» برای برآورد قابلیت اعتماد بهره گرفته شده است.

روشهای آماری مورد استفاده:

با مراجعه به جامعه و نمونه آماری، داده های لازم با پرسشنامه گردآوری و پس از کدگذاری و استخراج داده ها به پردازش آماری آنها پرداخته شد. در پردازش آماری داده ها از روشهای آماری متفاوتی بهره گرفته شده است که مهم ترین آنها عبارت است از:

آماره های توصیفی، جدولهای توزیع فراوانی و انواع نمودارها، آزمون مقایسه میانگین ها، آزمون آنالیز واریانس، ضرایب همبستگی، تحلیل رگرسیون و تحلیل مسیر.

محدودیت های پژوهش:

نخستین محدودیتی که در پژوهش حاضر با آن روبه رو شدیم نبود پیشینه مرتبط با موضوع پژوهش بود. باید گفت که جای تحقیقات عملی و میدانی در این زمینه خالی است.

محدودیت دیگر در زمینه گردآوری اطلاعات بود، چون در برخی مناطق شماری از شهروندان حاضر نمی شدند به پرسشها پاسخ دهند و آنرا کاری بیهوده و بی تأثیر در روند تحولات سیاسی جامعه می دانستند. شوربختانه در جامعه ما بسیاری از شهروندان به علم و پژوهشهای علمی بعنوان ابزاری برای بهسازی وضع جامعه و حتی زندگی شخصی خود اعتقادی ندارند.

یافته های تحقیق:

نتایج تحلیل های یک متغیری:

۱- در این پژوهش ۸۳ درصد پاسخگویان مرد و ۱۷ درصد

از نظام سیاسی مورد نظر خود. نوع انتظارات بستگی به ساختار نظام سیاسی دارد. در واقع انتظارات سیاسی تجلی خواستها، امیدها و آرزوهای شهروندان است.

تعریف عملیاتی انتظارات سیاسی:

تعریف عملیاتی در واقع تشریح ابعاد یک مفهوم است. برای عملیاتی کردن انتظارات سیاسی ابعاد زیر در نظر گرفته شده است:

- ۱- توسعه سیاسی ۲- جامعه مدنی ۳- دموکراسی ۴- منافع ملی که هر یک از این ابعاد دارای چند معرّف (شناسه) است.

متغیرهای مستقل:

در این تحقیق متغیرهای مستقل عبارت است از:

- ۱- ویژگیهای فردی پاسخگویان ۲- وضع اجتماعی، اقتصادی پاسخگویان ۳- فرهنگ سیاسی جامعه.

ویژگی های فردی پاسخگویان:

این متغیر دربرگیرنده جنس (پرسش ۷۵)، سن (پرسش ۷۴)، میزان تحصیلات (پرسش ۶۷) و وضع تأهل پاسخگویان (پرسش ۷۰) است.

وضع اجتماعی و اقتصادی پاسخگویان:

این متغیر دو بُعد دارد: ۱- بُعد اجتماعی ۲- بُعد اقتصادی. بُعد اجتماعی پاسخگویان با شاخص هایی مانند شمار اعضای خانواده (پرسش ۶۹)، منطقه محل سکونت (پرسش ۷۶) و نوع شغل (پرسش ۶۸) سنجیده می شود. بُعد اقتصادی پاسخگویان با شاخص های زیر مورد سنجش قرار گرفته است:

مالکیت منزل مسکونی (پرسش ۷۱)، درآمد ماهانه خانواده (پرسش ۷۲) و میزان بر خورداری از امکانات زندگی (پرسش ۷۳).

فرهنگ سیاسی:

تعریف مفهومی فرهنگ سیاسی:

فرهنگ سیاسی، گرایش ذهنی ملت ها، گروه های اجتماعی یا افراد به سیاست است. فرهنگ سیاسی تا اندازه ای الگوهای رفتار سیاسی را شکل می دهد. به عقیده لوسین پای، فرهنگ سیاسی مجموعه بازخوردها، آگاهی ها، نگرشها و اعتقاداتی است که به روندهای سیاسی سامان می دهد و اصول و قواعد حاکم بر رفتار نظام سیاسی را مشخص می کند. آلموند و وریا همسویی فرهنگ و نظام سیاسی را موجب ثبات جامعه می دانند.

تعریف عملیاتی فرهنگ سیاسی:

این متغیر بوسیله چهار بُعد ۱- آگاهی سیاسی ۲- فضای

پاسخگویان زن بوده‌اند.

۲- ۶۸ درصد پاسخگویان متأهل و ۲۹ درصد مجرد بوده‌اند. ۲ درصد پاسخگویان همسر از دست داده و ۱ درصد مطلّقه بوده‌اند.

۳- ۳۵ درصد پاسخگویان دارای مدرک تحصیلی دیپلم و پیش‌دانشگاهی، ۳۱ درصد فوق‌دیپلم و لیسانس و ۹ درصد از فوق‌لیسانس به بالا بوده‌اند.

۴- ۲۰ درصد پاسخگویان دارای مشاغل آموزشی، پژوهشی و اداری بوده‌اند؛ ۱۵ درصد را دانشجویان تشکیل داده‌اند و ۱۴ درصد در مشاغل تولیدی و صنعتی فعالیت داشته‌اند؛ ۱۲ درصد در مشاغل خدماتی و ۱۱ درصد بیکار بوده‌اند؛ ۱۰ درصد در رشته‌های پزشکی و مهندسی کار می‌کرده‌اند، ۸ درصد روحانی و نظامی، ۶ درصد خانه‌دار و ۴ درصد نیز بازنشسته بوده‌اند.

۵- در آمد ماهانه خانواده ۵۵ درصد پاسخگویان کمتر از ۲۰۰ هزار تومان بوده است؛ ۳۰ درصد پاسخگویان از ۲۰۱ تا ۴۰۰ هزار تومان و ۱۵ درصد بیش از ۴۰۱ هزار تومان درآمد داشته‌اند.

۶- ۷۰/۳۰ درصد پاسخگویان مالک خانه خود بوده‌اند؛ ۲۵/۱۰ درصد در خانه‌های رهنی و اجاره‌ای سکونت داشته‌اند و ۴/۶۰ درصد هم در خانه‌های سازمانی ساکن بوده‌اند.

توصیف متغیر وابسته: انتظارات سیاسی

میانگین انتظارات سیاسی پاسخگویان ۱۳۹/۶۵ است که نشان می‌دهد انتظارات سیاسی شهر و ندان از دولت در حد بالایی است.

میانگین انتظارات سیاسی پاسخگویان در بُعد توسعه سیاسی ۳۲/۳۲ است که نشان می‌دهد بیشتر پاسخگویان یعنی ۷۰ درصد آنان خواستار توسعه سیاسی هستند. میانگین انتظارات سیاسی پاسخگویان در بُعد جامعه مدنی ۳۱/۷۳ است که نشان می‌دهد بیشتر پاسخگویان یعنی ۶۸ درصد موافقت کلی خود را با ایجاد آن از سوی دولت اعلام کرده‌اند.

میانگین انتظارات سیاسی پاسخگویان در بُعد دموکراسی ۵۱/۲۹ و گویای آن است که بیشتر پاسخگویان یعنی ۶۳ درصد خواستار برقراری دموکراسی آن از سوی دولت هستند.

میانگین انتظارات سیاسی پاسخگویان در بُعد منافع ملی ۴۳/۱۹ است که نشان می‌دهد بیشتر پاسخگویان یعنی ۷۴ درصد خواستار تأمین منافع ملی از سوی دولت هستند.

میزان موافقت کلی پاسخگویان با ابعاد

انتظارات سیاسی:

۷۴ درصد پاسخگویان موافقت خود را با معرف‌ها در بُعد

منافع ملی اعلام داشته‌اند. پس از آن بُعد توسعه سیاسی با ۷۰ درصد، بُعد جامعه مدنی با ۶۸ درصد و بُعد دموکراسی با ۶۳ درصد قرار دارد. موافقت چشمگیر پاسخگویان با بُعد منافع ملی نشان می‌دهد که آنان معتقدند دولت باید به منافع ملی کشور توجه بیشتری داشته باشد، در راستای تأمین آن گام بردارد و منافع ملی را مقدم بر همه چیز بداند. بنابراین اولویت نخست در انتظارات سیاسی پاسخگویان از دولت تأمین منافع ملی بوده است. همچنین ۷۰ درصد پاسخگویان خواهان توسعه سیاسی (بعنوان اولویت دوم) بوده‌اند. اولویت سوم پاسخگویان در انتظارات سیاسی از دولت، جامعه مدنی است که ۶۸ درصد پاسخگویان خواهان برپایی آن بوده‌اند. اولویت چهارم پاسخگویان در انتظارات سیاسی از دولت دموکراسی است که ۶۳ درصد پاسخگویان خواهان برقراری آن در کشور بوده‌اند.

می‌توان گفت که چگونگی موافقت کلی پاسخگویان با ابعاد و معرف‌های انتظارات سیاسی، بیانگر انتظارات، خواسته‌ها و مطالبات برآورده نشده آنان است.

مهمترین انتظار سیاسی پاسخگویان از دولت انجام گرفتن وظایف سیاسی در چارچوب قانون اساسی بوده است. پس از آن پاسخگویان از دولت انتظار داشته‌اند که در جهت تقویت و گسترش روابط سیاسی مسالمت‌آمیز با دیگر کشورها بر اساس اصل احترام متقابل بیش از پیش بکوشد. انتظار بعدی پاسخگویان از دولت به کارگیری همه امکانات برای افزایش بنیه دفاع ملی و توان نظامی کشور برای حفظ استقلال و یکپارچگی سرزمینی و جلوگیری از نفوذ و تجاوز بیگانگان به کشور بوده است. مهمترین اولویت‌های بعدی پاسخگویان در انتظارات سیاسی از دولت به ترتیب عبارت بوده است از:

- رعایت تعهدات و مقررات بین‌المللی

- تقویت و گسترش ارتباطات سیاسی و اقتصادی با اتحادیه

اروپا، آ.سه. آن و دیگر سازمانهای منطقه‌ای و بین‌المللی

- دقت فراوان در گزینش مسئولان برای پست‌های سیاسی

در کشور بر پایه تخصص، تجربه و تعهد ملی

- کوشش برای جلوگیری از کشمکش‌ها و درگیری‌های

سخت میان جناح‌ها و تشکلهای سیاسی و حل و فصل آنها

- پاسخگو بودن دولت در زمینه کارها و برنامه‌های سیاسی

خود در برابر شهر و ندان

- به کارگیری همه توان در عرصه سیاست خارجی برای

ایجاد امنیت و استقرار صلح در جهان

- از میان بردن تبعیض‌ها و نابرابری‌ها در جامعه از جمله

پدیده تقسیم شدن شهر و ندان به درجه ۱ و درجه ۲ و خودی و

غیر خودی

- گسترش ارتباطات متقابل با قوای مقننه و قضائیه و تلاش

برای حل و فصل اختلافها با آنها در جهت تحقق توسعه سیاسی

- برقراری نظم و امنیت در جامعه برای انجام گرفتن

مفاهیم و اصطلاحات سیاسی، روش تحلیل سیاسی، مکاتب و اندیشه‌های سیاسی و نیز حقوق اجتماعی و سیاسی‌شان - توسعه روابط اقتصادی، سیاسی و شناسایی نقاط مشترک با کشورهای اسلامی

- پشتیبانی سیاسی از ملت‌های مظلوم و ستمدیده

آمار توصیفی در زمینه آگاهی سیاسی پاسخگویان:

میانگین آگاهی سیاسی پاسخگویان ۱۷/۰۸ است که در حد متوسط ارزیابی می‌شود.

آمار توصیفی فضای سیاسی جامعه از دید پاسخگویان:

میانگین فضای سیاسی جامعه از دید پاسخگویان ۸۱/۳۱ است. بیشتر پاسخگویان بر این عقیده بوده‌اند که فضای سیاسی جامعه، فضایی مطلوب و مناسب برای فعالیت‌های سیاسی نیست.

آمار توصیفی مشارکت سیاسی پاسخگویان:

میانگین مشارکت سیاسی پاسخگویان ۲۵/۴۸ است که در حد پایین ارزیابی می‌شود.

آمار توصیفی نگرش سیاسی پاسخگویان:

میانگین نگرش سیاسی پاسخگویان ۱۲/۴۶ است که نشان می‌دهد بیشتر پاسخگویان نگرشی مثبت به سیاست، پدیده‌ها و رویدادهای سیاسی ندارند.

نتایج تحلیل‌های دو متغیری:

۱- متغیرهای جنسیت و وضع تأهل پاسخگویان اثری بر انتظارات سیاسی از دولت نداشته است.

۲- متغیرهای سن، تحصیلات، وضع اجتماعی و اقتصادی و فرهنگ سیاسی جامعه رابطه و همبستگی معناداری با انتظارات سیاسی از دولت داشته است.

متغیرهای فرهنگ سیاسی جامعه با ضریبی به شدت $R=0/83$ و وضع اجتماعی، اقتصادی پاسخگویان با ضریبی به شدت $R=0/81$ قوی‌ترین همبستگی را با متغیر وابسته یعنی انتظارات سیاسی داشته است.

۳- نتایج آزمون فرضیه‌های هشتم و نهم نشان می‌دهد که میان میزان تحصیلات پاسخگویان و فرهنگ سیاسی جامعه و همچنین میان وضع اجتماعی، اقتصادی پاسخگویان و فرهنگ سیاسی جامعه رابطه‌ای معنادار وجود دارد.

نتایج تحلیل‌های چند متغیری:

نتایج رگرسیون چند متغیری به روش «پیش‌رونده» نشان داد که از میان متغیرهای مستقل، ۵ متغیر در معادله رگرسیون چند متغیری باقی مانده است که بیشترین سهم متعلق به متغیر فرهنگ سیاسی جامعه با $0/52$ و کمترین سهم مربوط به متغیر تحصیلات با $0/094$ بوده است.

ضریب تعیین (R^2) برای کل متغیرهای مستقل وارد شده در

- جلوگیری از اختناق، انحصار طلبی و تهدید از سوی هر

فرد یا جناح سیاسی و مبارزه با آن

- گام برداشتن در جهت تثبیت اقتدار و مشروعیت نظام

- داشتن ظرفیت و بردباری سیاسی چشمگیر در برابر

انتقادهای دیدگاهها و نظرات مخالفان

- درپیش گرفتن سیاست‌هایی سنجیده در جهت تنش زدایی

در روابط سیاسی با کشورهای همسایه و غیر همسایه

- تلاش در راه جذب سرمایه‌های خارجی برای رسیدن به

توسعه پایدار

- نظارت دقیق و مداوم بر عملکرد دستگاهها و

وزارتخانه‌هایی که با امور سیاسی سروکار دارند مانند وزارت

کشور، وزارت امور خارجه و ...

- تلاش در جهت بهبود وجهه ملی و بین‌المللی ایران در میان

دیگر کشورهای جهان بر اساس اصل گفتگوی تمدنها

- داشتن ارتباطات و نشست‌هایی منظم و مداوم با شهروندان

به منظور آگاه شدن از نظرات و دیدگاههای آنان در زمینه

برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌های اجتماعی و سیاسی

- برگزاری کنفرانسها، نشست‌ها و مناظره‌های سیاسی در

دانشگاهها یا در رادیو و تلویزیون و ...

- مبارزه با هر گونه اقدام غیر قانونی از سوی هر فرد یا گروه

سیاسی

- جلوگیری از فعالیت گروههای فشار و خودسر در جامعه،

بی‌توجه به وابستگی‌شان به هر شخصیت یا گروه سیاسی و

مبارزه با آنها

- فراهم کردن زمینه برای تشکیل سندیکاها، احزاب و

تشکل‌های اجتماعی و سیاسی مستقل در چارچوب قانون

اساسی

- مبارزه با تجاوز و جنگ افروزی در هر نقطه از جهان و

همچنین مبارزه با ترور و تروریسم

- گسترش و تقویت وسایل ارتباط جمعی مانند مطبوعات

مستقل، اینترنت، ماهواره و ... در جامعه

- مشارکت فعال در حل بحرانهای منطقه‌ای و بین‌المللی

مانند بحرانهای منطقه خاورمیانه، مسئله تروریسم و ...

- گسترش آزادی‌های اجتماعی و سیاسی در جامعه

- به رسمیت شناختن حقوق قانونی و مدنی همه شهروندان و

مخالفان مانند حق انتقاد، حق اظهار نظر و عقیده، حق فعالیت

سیاسی، حق اعتصاب و ...

- فراهم کردن زمینه برای فعالیت سیاسی روشنفکران و

مخالفان در چارچوب قانون اساسی

- جلوگیری از تکرار شدن رخدادهایی همچون قتل‌های

زنجیره‌ای، کوی دانشگاه و ...

- تلاش در جهت آموزش شهروندان و آشنا کردن آنان به

معادله رگرسیون برابر با $0/86$ بوده است. بنابراین متغیرهای فرهنگ سیاسی جامعه، وضع اجتماعی و اقتصادی، سن و تحصیلات به گونه مستقیم $0/86$ از تغییرات انتظارات سیاسی را تبیین کرده‌اند.

در پایان، چند نکته یادآوری می‌شود:

۱- موافقت بسیار زیاد پاسخگویان با ابعاد و معرف‌های انتظارات سیاسی و بویژه بعد منافع ملی با 74 درصد موافقت کلی بیانگر این است که دولت باید در جهت شناسایی و تأمین منافع ملی گام بردارد و توجه بیشتری به منافع ملی کشور داشته باشد.

۲- اگر انتظارات افراد معلوم و نیز ویژگی‌های محیط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی آنان مشخص شود می‌توان رفتارشان را در شرایط گوناگون پیش‌بینی کرد؛ زیرا بر پایه تئوری «لوین» رفتار فرد بر آندیدی از انتظارات، شخصیت، محیط و نیازهای او است. در پژوهش حاضر انتظارات سیاسی افراد به ترتیب اهمیت، و میزان تأثیرپذیری آنان مشخص شده است. ویژگی‌های محیط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی (نوامندی‌های جامعه در بر آوردن نیازهای شهروندان) نیز معلوم است. بنابراین می‌توان رفتار افراد را پیش‌بینی کرد.

چون امکانات کنونی جامعه ما نمی‌تواند پاسخگوی همه نیازهای افراد باشد بنابراین کسانی که نیازهای اساسی آنان بر آورده نشده است ممکن است رفتاری در پیش گیرند که دستکم بتوانند نیازهای خود را به گونه نسبی بر آورده سازند. یکی از این راهها کوشش در راستای تغییر وضع موجود است و چون بیشتر انتظارات آنان هماهنگ و یکسان است، ممکن است رفتارهای آنان نیز کمابیش هماهنگ و یکسان باشد. از این رو احتمال وقوع رویدادهای اجتماعی و سیاسی افزایش می‌یابد.

رویدادهای اجتماعی مانند اعتصابات، برآیند رفتار کسانی است که بر پایه محاسباتی می‌اندیشند و عمل می‌کنند که آنان را به هدفشان برساند. اگر این گونه کسان در جهت تغییر وضع موجود نکوشند، دستکم رابطه خود را با نهادی که از دید آنان در ایفای نقش‌های خود موفق نبوده است قطع می‌کنند. کاهش رابطه شهروندان و دولت باعث کاهش مشروعیت و مقبولیت دولت در نزد کسانی می‌شود که انتظاراتی کمابیش یکسان و هماهنگ داشته‌اند.

۳- اگر شهروندان دریابند که دولت نماینده آنان، از خود آنان و برخاسته از میان آنان است، نه مسلط و حاکم بر آنان، بسیاری از انتظارات عقلانی‌تر می‌شود و دولت نهادی انگاشته نخواهد شد که توانایی انجام دادن هر کار را دارد.

۴- از راه رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی به شهروندان گوشزد شود که انتقادات، پیشنهادهای و نظرات سازنده آنان می‌تواند راهگشای اقدامات و برنامه‌های دولت باشد.

۵- اگر دولت نمی‌تواند امکانات جامعه را برای بر آوردن

نیازهای شهروندان افزایش دهد و انتظارات را چنان که باید بر آورد، کاری که دستکم به زمان طولانی‌تر نیاز دارد. کوشش کند که نگرش شهروندان به دولت و نقش‌های دولت و سرانجام انتظاراتشان از دولت تعدیل شود. به سخن دیگر، وظایف اساسی دولت به شهروندان شناسانده شود؛ یعنی وظایفی به گونه قانونی و مدون برای آن در نظر گرفته شده است، نه آنچه عرف جامعه تعیین می‌کند. اگر چنین شود، شهروندان عقلانی‌تر خواهند اندیشید و از دولت انتظاراتی فراتر از چارچوب وظایف قانونی و مدون آن نخواهند داشت.

منابع فارسی

۱. آشوری، داریوش، (۱۳۶۶)، دانشنامه سیاسی، تهران، انتشارات مروارید-سهروردی، چاپ اول.
۲. آندریین، چارلز. اف، (۱۳۸۰)، اعتراض سیاسی و تغییر اجتماعی، ترجمه: محمدرضا سعیدآبادی، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول.
۳. ابوالحمد، عبدالحمید، (۱۳۶۸)، مبانی علم سیاست، تهران، انتشارات توس، چاپ چهارم.
۴. ازغندی، علیرضا، (۱۳۸۱)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران، نشر قومس، چاپ اول.
۵. اسپنله، روش. بلاو، (۱۳۷۲)، مفهوم نقش در روانشناسی اجتماعی، ترجمه: ابوالحسن سروقد مقدم، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول.
۶. بدیع، برتران، (۱۳۷۹)، جامعه‌شناسی دولت، ترجمه: احمد نقیب‌زاده، تهران، انتشارات باز، چاپ اول.
۷. برزین، سعید، (۱۳۷۷)، جناح‌بندی سیاسی در ایران، تهران، نشر مرکز، چاپ چهارم.
۸. بدیع، برتران، (۱۳۷۹)، جامعه‌شناسی دولت، ترجمه: احمد نقیب‌زاده، تهران، انتشارات باز، چاپ اول.
۹. برزین، سعید، (۱۳۷۷)، جناح‌بندی سیاسی در ایران، تهران، نشر مرکز، چاپ چهارم.
۱۰. بشیریه، حسین، (۱۳۷۴)، جامعه‌شناسی سیاسی (نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی)، تهران، نشر نی، چاپ اول.
۱۱. بشیریه، حسین، (۱۳۷۸)، جامعه‌مدنی و توسعه سیاسی در ایران (گفتارهایی در جامعه‌شناسی سیاسی)، تهران، نشر علوم نوین، چاپ اول.
۱۲. بشیریه، حسین، (۱۳۷۸)، دولت و جامعه‌مدنی (گفتمانهای جامعه‌شناسی سیاسی)، تهران، نقد و نظر، چاپ اول.
۱۳. بشیریه، حسین، (۱۳۸۰)، آموزش دانش سیاسی، تهران، نگاه معاصر، چاپ اول.
۱۴. بشیریه، حسین، (۱۳۸۰)، درسهای دموکراسی برای همه، تهران، نگاه معاصر، چاپ اول.
۱۵. بشیریه، حسین، (۱۳۸۱)، دیپلاچهای بر جامعه‌شناسی سیاسی در ایران، تهران، نگاه معاصر، چاپ اول.
۱۶. یلانچارد، کنت و هرسی، (۱۳۶۵)، مدیریت رفتار سازمانی

- (کاربرد منابع انسانی)، علی علاقتبند، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول.
۱۷. بلانچارد، کنت و هرسی، (۱۳۷۳)، مدیریت رفتار سازمانی، ترجمه: قاسم کبیری، تهران، انتشارات ماجد، چاپ اول.
۱۸. بودون، ریمون، (۱۳۷۰)، منطق اجتماعی (روش تحلیل مسائل اجتماعی)، ترجمه: عبدالحسین نیک‌گهر، تهران، انتشارات جاویدان، چاپ سوم.
۱۹. بهروان، حسین، (۱۳۸۱)، جزوه درس روشهای تحقیق در علوم اجتماعی، مشهد، دانشگاه فردوسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی.
۲۰. پالمر، موتی ولاری، اشترن و چارلز. گایل، (۱۳۷۱)، نگرشی جدید بر علم سیاست، ترجمه: منوچهر شجاعی، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ دوم.
۲۱. پرهیزگار، کمال، (۱۳۶۸)، روابط انسانی در مدیریت، تهران، نشر اشراق، چاپ اول.
۲۲. دال، رابرت. آتن، (۱۳۶۴)، تجزیه و تحلیل جدید سیاست، ترجمه: حسین مظفریان، بی‌جا، چاپ اول.
۲۳. راش، مایکل، (۱۳۷۷)، جامعه و سیاست، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران، سمت، چاپ اول.
۲۴. رحیمی نیک، اعظم، (۱۳۷۴)، تئوری‌های نیاز و انگیزش، تهران، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، چاپ اول.
۲۵. رضوی، مسعود، (۱۳۷۹)، جامعه مدنی، دوم خرداد و خاتمی، تهران، نشر و پژوهش فرزانه روز، چاپ اول.
۲۶. رفیع‌پور، فرامرز، (۱۳۷۷)، توسعه و تضاد، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول.
۲۷. رمضانی، روح‌الله، (۱۳۸۰)، چارچوبی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ترجمه: علیرضا طیب، تهران، نشر نی، چاپ اول.
۲۸. روشه، گی، (۱۳۷۲)، تغییرات اجتماعی، ترجمه: منصور وثوقی، تهران، نشر نی، چاپ چهارم.
۲۹. روشه، گی، (۱۳۷۶)، جامعه‌شناسی تالکوت پارسنز، ترجمه: عبدالحسین نیک‌گهر، تهران، انتشارات تبیان، چاپ اول.
۳۰. زیبا کلام، صادق، (۱۳۷۹)، عکس‌های یادگاری با جامعه مدنی، تهران، انتشارات روزنه، چاپ اول.
۳۱. ساروخانی، باقر، (۱۳۷۰)، درآمدی بر دایرةالمعارف علوم اجتماعی، تهران، انتشارات کیهان، چاپ دوم.
۳۲. ساروخانی، باقر، (۱۳۷۸)، روشهای تحقیق در علوم اجتماعی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ دوم.
۳۳. سعایی، عزت‌الله، (۱۳۷۹)، دغدغه‌های فردای ایران، تهران، انتشارات قلم، چاپ اول.
۳۴. شریف، محمدرضا، (۱۳۸۰)، انقلاب آرام (درآمدی بر تحول فرهنگ سیاسی در ایران)، تهران، انتشارات روزنه، چاپ اول.
۳۵. عالم، عبدالرحمن، (۱۳۷۳)، بنیادهای علم سیاست، تهران، نشر نی، چاپ اول.
۳۶. عبدالکریمی، بیژن، (۱۳۷۶)، تفکر و سیاست، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول.
۳۷. عبداللہی، محمد، (۱۳۷۴)، روش تحقیق در علوم اجتماعی، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده علوم اجتماعی.
۳۸. فولادوند، عزت‌الله، (۱۳۷۶)، خرد در سیاست، تهران، انتشارات طرح نو، چاپ اول.
۳۹. فیلیس، جان. ال، (۱۳۷۱)، تفکر آماری، ترجمه: کاظم ایزدی، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی، چاپ اول.
۴۰. قاضی، ابوالفضل، (۱۳۶۸)، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۴۱. قاضی، ابوالفضل، همان.
۴۲. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، (۱۳۷۹)، قم، انتشارات لاهیجی، چاپ دوم.
۴۳. قلی‌پور، آرن، (۱۳۸۰)، جامعه‌شناسی سازمانها، تهران، سمت، چاپ اول.
۴۴. قوام، عبدالعلی، (۱۳۷۰)، اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، تهران، سمت، چاپ اول.
۴۵. کاظمی، علی اصغر، (۱۳۷۶)، بحران نوگرایی و فرهنگ سیاسی در ایران معاصر، تهران، نشر قومس، چاپ اول.
۴۶. گرامشی، آنتونیو، (۱۳۷۷)، دولت و جامعه مدنی، ترجمه: عباس میلانی، تهران، انتشارات جاجرمی، چاپ اول.
۴۷. گر، تدد. رابرت، (۱۳۷۷)، چرا انسانها شورش می‌کنند، ترجمه: علی مرشدی‌زاد، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول.
۴۸. گلابی، سیاوش، (۱۳۷۲)، اصول و مبانی جامعه‌شناسی، تهران، انتشارات مجید، چاپ سوم.
۴۹. گلشن فومنی، محمدرسول، (۱۳۷۹)، جامعه‌شناسی سازمانها و توانسازمانی، تهران، نشر دوران، چاپ اول.
۵۰. گیدنز، آنتونی، (۱۳۷۳)، جامعه‌شناسی، ترجمه: منوچهر صبوری کاشانی، تهران، نشر نی، چاپ اول.
۵۱. لیتل، دانیل، (۱۳۷۳)، تبیین در علوم اجتماعی، ترجمه: عبدالکریم سروش، تهران، مؤسسه فرهنگی صراط، چاپ اول.
۵۲. مازلو، آبراهام، (۱۳۷۲)، انگیزش و شخصیت، ترجمه: احمد رضوانی، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ دوم.
۵۳. محمدی، مجید، (۱۳۷۶)، جامعه مدنی به منزله یک روش، تهران، نشر قطره، چاپ اول.
۵۴. محمدی، مجید، (۱۳۷۷)، جامعه مدنی و جوانان، تهران، نشر قطره، چاپ اول.
۵۵. محمدی، مجید، (۱۳۷۸)، جامعه مدنی ایرانی (بسترهای نظری و موانع)، تهران، نشر مرکز، چاپ اول.
۵۶. محمدی، منوچهر، (۱۳۷۷)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (اصول و مسائل)، تهران، نشر دادگستر، چاپ اول.
۵۷. مصلحیان، مجید، (۱۳۷۴)، دیکتاتوری در بستر تاریخ ایران، تهران، نشر مسعی، چاپ اول.
۵۸. مظاهری سیف، حمیدرضا، (۱۳۷۹)، تحقق جامعه مدنی و راههای آن، تهران، دکلمه گران، چاپ اول.
۵۹. منصورفر، کریم، (۱۳۷۴)، روشهای آماری، تهران، انتشارات

ture and Political Development, N. J: Princeton University Press.

12. Silverman, David, (1970), *The Theory of Organizations: A Sociological Framework*, London, Heinemann.

مقالات

۱. آقایی، امیر اصلان، (۱۳۷۵)، «دموکراسی را از کجا آغاز کنیم؟»، ایران فردا، سال پنجم، شماره ۲۵.
۲. امیراحمدی، هوشنگ، (۱۳۷۴)، «نقش دولت و جامعه مدنی در فرایند توسعه اجتماعی، سیاسی»، *اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، سال نهم، شماره ۹۹ و ۱۰۰.
۳. امیراحمدی، هوشنگ، (۱۳۷۵)، «درآمدی بر جامعه مدنی در ایران امروز»، ایران فردا، سال پنجم، شماره ۲۷ و ۲۸.
۴. امین زاده، محسن، (۱۳۷۶)، «توسعه سیاسی»، *اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، سال یازدهم، شماره ۹ و ۱۰.
۵. زیبا کلام، صادق، (۱۳۷۴)، «جامعه مدنی، قانون و حکومت»، *جامعه سالم*، سال ششم، شماره ۳۴.
۶. سریع القلم، محمود، (۱۳۷۱)، «اصول ثابت توسعه سیاسی»، *اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، سال ششم، شماره ۶ و ۷.
۷. شیخاوندی، داور، (۱۳۷۶)، «دولت و پایگاه قدرت سیاسی»، *جامعه سالم*، سال ششم، شماره ۳۵.
۸. شیخاوندی، داور، (۱۳۷۶)، «گامی در شناخت دولت»، *جامعه سالم*، سال ششم، شماره ۳۵.
۹. کاتوزیان، محمدعلی، (۱۳۷۲)، «دموکراسی، دیکتاتوری و مسئولیت ملت»، *اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، سال هفتم، شماره ۶۷ و ۶۸.
۱۰. فهیمی، محمد حسین، (۱۳۷۴)، «پاسخگویی و مشارکت سیاسی همگان»، ایران فردا، سال چهارم، شماره ۲۲.
۱۱. لطفی، تقی، (۱۳۷۸)، «دموکراسی در ایران: محدود یا گسترده»، خراسان، سال پنجاه و یکم، شماره ۱۴۴۵.
۱۲. لطفی، تقی، (۱۳۷۸)، «دین دولتی و دولت دینی»، خراسان، سال پنجاهم، شماره ۱۴۴۱.
۱۳. لطفی، تقی، (۱۳۸۱)، «نقش بیگانگان در تحولات داخلی ایران»، *همبستگی*، سال دوم، شماره ۵۱۲.
۱۴. مدنی، سعید، (۱۳۷۵)، «دریای منافع ملی»، ایران فردا، سال پنجم، شماره ۱۷.

دانشگاه تهران، چاپ سوم.

۶۰. مور، برینگتون، (۱۳۶۹)، *ریشه های اجتماعی دیکتاتوری و دموکراسی*، ترجمه: حسین بشیریه، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول.
۶۱. میچل، ترانس. آر، (۱۳۷۳)، *مردم در سازمانها*، ترجمه: حسین شکرکن، تهران، انتشارات رشد، چاپ اول.
۶۲. میری، احمد، (۱۳۸۰)، *دیپلماسی بر فرهنگ استبداد در ایران*، تهران، نگاه معاصر، چاپ اول.
۶۳. مهرپور، حسین، (۱۳۸۰)، *رئیس جمهور و مسئولیت اجرای قانون اساسی*، تهران، انتشارات اطلاعات، چاپ اول.
۶۴. نکسرلین، دونالد، (۱۳۵۶)، *منافع ملی و سیاست خارجی*، ترجمه: محمد معتمدی، تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، چاپ اول.
۶۵. هومن، حیدرعلی، (۱۳۷۰)، *استنباط آماری در پژوهش رفتاری*، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول.

منابع انگلیسی

1. Almond, G and S. Verba, (1963), *The civil culture: Attitude and democracy in five nation*, Princeton University Press.
2. Abramson, P.R, (1983), *Political Attitudes in America*, Sanfrancisco: Freeman.
3. Achen, C.H, (1975), *Mass political Attitudes and Survey Response*, *American political science Review*.
4. Cohen, Jean. L and Andrew Arato, (1992), *Civil Society and Political Theory*, Cambridge, Ma. and London: MIT Press.
5. Easton, D, (1965), *A system analysis of political life*, New York: Wiley.
6. Edowse, R and J.A. Hughes, (1986), *Political Sociology*, Chichester: John Wiley and Sons.
7. Keane, John, (1988), *Civil Society and State*, London: Verso Press.
8. Kornhauser, William, (1959), *The Politics of Mass Society*, The Free Press.
9. Parsons, Talcott, (1951) *The Social System*, The Free Press.
10. Parsons, Talcott, (1986), *Power and the Social System*, in Steven Lukes, New York, University Press.
11. Pye, Lucian and S. Verba, (1966), *Political Cul-*

متغیر	ابعاد	معرف	شماره گویه در پرسشنامه
توسعه سیاسی		۱- پاسخگو بودن دولت برای اقدامات سیاسی خود در برابر شهروندان	۲
		۲- جلوگیری از اختناق، انحصار طلبی و تهدید در جامعه از سوی هر فرد یا جناح سیاسی و مبارزه با آن	۱۰
		۳- کوشش برای جلوگیری از کشمکش ها و درگیری های سخت میان جناح ها و تشکل های سیاسی و حل و فصل آنها	۱۳
		۴- گسترش آزادی های اجتماعی و سیاسی در جامعه مانند آزادی عقیده و بیان، آزادی احزاب، آزادی تجمعات و میتینگ های سیاسی	۱۷
		۵- دقت در گزینش مسئولان برای پست های سیاسی و بر اساس تخصص، تجربه و تعهد ملی	۱۹
		۶- گسترش ارتباطات متقابل با قوای مقننه و قضائیه و تلاش برای حل و فصل اختلافات با آنها	۲۰
		۷- گام برداشتن در جهت تثبیت اقتدار و مشروعیت نظام	۲۲
		۸- برگزاری کنفرانسها، نشست ها و مناظره های سیاسی میان افراد و جناح های سیاسی کشور در دانشگاهها یا در رادیو و تلویزیون و ...	۲۵
		۹- تلاش در جهت آموزش و آشنا کردن شهروندان با مفاهیم و اصطلاحات سیاسی، روش تحلیل سیاسی، مکاتب و اندیشه های سیاسی و نیز حقوق اجتماعی و سیاسی شان	۳۴
جامعه مدنی		۱- برقراری نظم و امنیت در جامعه برای فعالیت های سیاسی	۱
		۲- جلوگیری از فعالیت گروه های فشار و خودسر در جامعه بی توجه به وابستگی آنها به هر شخصیت یا گروه سیاسی و مبارزه با آنها	۴
		۳- رفع نابرابری ها در جامعه از جمله تقسیم شهروندان به شهروندان درجه ۱، درجه ۲، خودی و غیر خودی	۷
		۴- داشتن ارتباطات و نشست هایی منظم و مستمر با شهروندان و آگاهی از دیدگاه های آنان در برنامه ریزی ها و تصمیم گیری های اجتماعی و سیاسی	۲۶
		۵- گسترش و تقویت وسایل ارتباط جمعی مانند مطبوعات مستقل، اینترنت، ماهواره و ...	۳۱
		۶- فراهم کردن زمینه برای تشکیل سندیکاها، احزاب و تشکل های اجتماعی و سیاسی مستقل در چارچوب قانون اساسی	۳۲
		۷- جلوگیری از تکرار حوادثی همچون قتل های زنجیره ای، کوی دانشگاه و ...	۲۶
		۸- نظارت دقیق و مستمر عملکرد دستگاهها و وزارات خفته هایی که با امور سیاسی سرو کار دارند مانند وزارت کشور، وزارت امور خارجه و ...	۳۷
انتظارات سیاسی	دموکراسی	۱- مبارزه با هر گونه اقدام غیر قانونی از سوی هر فرد یا گروه سیاسی	۵
		۲- انجام وظایف سیاسی در چارچوب قانون اساسی	۱۱
		۳- فراهم نمودن زمینه برای فعالیت سیاسی روشنفکران و مخالفان در چارچوب قانون اساسی	۱۴
		۴- برخورداری از ظرفیت و تحمل سیاسی بالا در برابر انتقادات، دیدگاهها و نظرات مخالفان	۱۶
		۵- به رسمیت شناختن حقوق قانونی و مدنی همه شهروندان و مخالفان	۲۸
منافع ملی		۱- در پیش گرفتن سیاست هایی به منظور تنش زدایی در روابط سیاسی با کشورهای همسایه و غیر همسایه	۶
		۲- تقویت و گسترش روابط اقتصادی و سیاسی با اتحادیه اروپا، آ.سه. آن و دیگر سازمانهای منطقه ای و بین المللی	۹
		۳- به کارگیری همه امکانات در جهت تقویت بنیه دفاع ملی و توان نظامی کشور	۱۲
		۴- تلاش در جهت جذب سرمایه های خارجی برای رسیدن به توسعه پایدار در کشور	۲۱
		۵- تقویت و گسترش روابط سیاسی مسالمت آمیز با دیگر کشورها بر اساس اصل احترام متقابل	۳۳
		۶- تلاش در جهت ارتقاء پرش ملی و بین المللی ایران در جهان بر اساس اصل گفتگوی تمدنها	۳۵
		۱- مشارکت فعال در حل بحرانهای منطقه ای و بین المللی	۳
		۲- مبارزه با تجاوز و جنگ افروزی در هر نقطه از جهان و همچنین مبارزه با تروریسم	۱۵
		۳- به کارگیری همه توان در عرصه سیاست خارجی برای ایجاد امنیت و استقرار صلح در جهان	۱۸
		۴- رعایت تعهدات و مقررات بین المللی	۲۴
		۵- پشتیبانی سیاسی از ملت های مظلوم و ستمدیده	۲۷
		۶- توسعه روابط اقتصادی، سیاسی و شناسایی نقاط مشترک با کشورهای اسلامی	۳۰

تعریف عملیاتی فرهنگ سیاسی

شماره سؤال یا عبارت در پرسشنامه	معرف	ابعاد	متغیر
۴۳	۱- آگاهی از نظریه بر خورد تمدنها	آگاهی سیاسی	
۴۵	۲- آگاهی از اصول قانون اساسی کشور		
۶۰	۳- شناسایی گروههای سیاسی کشور		
۶۱	۴- آگاهی از پست و مسئولیت افراد و شخصیت‌های سیاسی		
۶۴	۵- آگاهی از مسائل روز		
۶۶	۶- آگاهی از مهمترین وظایف مجمع تشخیص مصلحت نظام		
۴۸	۱- بیان آزادانه نظرات و دیدگاهها پیرامون تحولات سیاسی در جامعه	فضای سیاسی	
۵۵	۲- انتقاد آزادانه از عملکرد دولت در عرصه سیاسی		
۵۶	۳- رواج بحث‌های سیاسی گوناگون در میان شهروندان		
۵۷	۴- رسیدن به قدرت و کسب منافع در میان جناح‌های سیاسی کشور		
۳۸	۱- شرکت در انتخابات ریاست جمهوری گذشته (۱۳۸۰/۳/۱۸)	مشارکت سیاسی	فرهنگ سیاسی
۳۹	۲- شرکت در انتخابات ریاست جمهوری آینده (سال ۱۳۸۴)		
۴۰	۳- شرکت در انتخابات گذشته مجلس شورای اسلامی (اسفندماه ۱۳۷۸)		
۴۱	۴- شرکت در انتخابات شورای اسلامی شهر و روستا (اسفندماه ۱۳۸۱)		
۴۲	۵- عضویت در گروه یا حزب سیاسی		
۴۴	۶- تهدید و تجاوز به کشور و ضرورت دفاع از آن		
۴۶	۷- شرکت در تجمعات، سخنرانی‌ها و میزگردهای سیاسی		
۶۲	۸- شرکت در راهپیمایی‌ها به مناسبت‌های گوناگون		
۶۳	۹- تبلیغات به سود فرد یا جناح سیاسی خاص		
۴۷	۱- لذت بردن از مطالعه کتابها و نشریات سیاسی	نگرش سیاسی	
۴۹	۲- خطرناک بودن سیاست و پشیمان شدن از دخالت در آن		
۵۲	۳- داشتن زندگی بهتر برای کسانی که وارد سیاست شده‌اند		
۵۳	۴- مهم و محترم بودن حرفه سیاست و دخالت فعالانه در آن		

جدول فشرده نتایج آزمون فرضیات تحقیق

ردیف	فرضیات تحقیق	ابزار تحلیل	نوع رابطه	نتیجه آزمون
۱	به احتمال، میان انتظارات سیاسی زنان و مردان از دولت تفاوتی معنادار وجود دارد	T- TEST	مستقیم	از آزمون رد نگذشت
۲	به احتمال، پاسخگویی که سن کمتری دارند، انتظارات سیاسی بیشتری از دولت داشته باشند	ضریب همبستگی پیرسون تحلیل رگرسیون	معکوس	از آزمون رد گذشت
۳	به احتمال، وضع ناهل پاسخگویان بر انتظارات سیاسی آنان از دولت مؤثر است.	آنالیز واریانس	مستقیم	از آزمون رد نگذشت
۴	هرچه میزان تحصیلات پاسخگویان بالاتر باشد، انتظارات سیاسی آنان از دولت بیشتر می شود.	ضریب همبستگی رتبه‌ای اسپیرمن تحلیل رگرسیون	مستقیم	از آزمون رد گذشت
۵	هرچه وضع اجتماعی و اقتصادی پاسخگویان بهتر باشد، انتظارات سیاسی آنان از دولت بیشتر می شود	ضریب همبستگی پیرسون تحلیل رگرسیون	مستقیم	از آزمون رد گذشت
۶	به احتمال، فرهنگ سیاسی جامعه بر انتظارات سیاسی مردم از دولت مؤثر است.	ضریب همبستگی پیرسون تحلیل رگرسیون	مستقیم	از آزمون رد گذشت
۷	به احتمال، میان میزان تحصیلات پاسخگویان و فرهنگ سیاسی جامعه همبستگی وجود دارد.	ضریب همبستگی رتبه‌ای اسپیرمن	مستقیم	از آزمون رد گذشت
۸	به احتمال میان وضع اجتماعی، اقتصادی پاسخگویان و فرهنگ سیاسی جامعه همبستگی وجود دارد.	ضریب همبستگی پیرسون	مستقیم	از آزمون رد گذشت